

## بازاریابی هراتیان برای محصولات کشاورزی وطنی



شماری از فعالان مدنی در هرات برای پشتیبانی از فرآورده‌های کشاورزی وطنی «کارزار ده روزهای» را آغاز کرده‌اند. در این کارزار قرار است به حمایت از محصولات «انگور و انجیر» هرات که شهرت جهانی دارد، در بازارهای داخلی و خارجی بازاریابی شود. فعالان مدنی هرات هم‌زمان با این در شبکه‌های اجتماعی مردم را به مصرف فرآورده‌های کشاورزی وطنی تشویق می‌کنند. هنرمندان مدیریت تیاتر هرات نیز قرار است درباره اهمیت استفاده از تولیدات داخلی نمایش هنری اجرا کنند. باغداران و کشاورزان این اقدام را برای پشتیبانی و فراهم‌سازی بازار فروش برای محصولات خود سودمند می‌دانند و بر تداوم حمایت‌های مردم و حکومت برای فروش محصولات کشاورزی پافشاری دارند.

۳



تاخیر پی هم سفر هیأت مذاکره‌کننده دولت به قطر؛

## آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی در گرو تردید طالبان



۳

## داعش خراسان: فصل جدید ناامنی‌ها در افغانستان و منطقه

۴

## «ما و نوگرایی»: کلکسیون ۱۵۰ ساله مطبوعات کشور به نمایش گذاشته شد

وزارت اطلاعات و فرهنگ نمایشگاه سه‌روزه از نشریه‌های چاپی افغانستان را دیروز شنبه، پانزدهم سنبله، افتتاح کرد. در این نمایشگاه جریده‌ها، ماهنامه‌ها، روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها از دوره شاه امان‌الله به بعد، به منظور آشنایی نسل نو با کارکردهای فرهنگی دوره «شاه تجددگرا»، به نمایش گذاشته شده است.



۶

## تاب‌آوری شهری، رویکردی پایدار در مواجهه با بلایای طبیعی



خطرات طبیعی، شرایط زنده‌گی ساکنان شهرهای جهان را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. فزونی بلاها و خسارات مالی و جانی آن‌ها، پژوهش‌هایی با موضوع تاب‌آوری را در مطالعه شهری الزام‌آور ساخته و در پی آن، مفهوم تاب‌آوری به سرعت در ادبیات پایداری شهری جای گشوده است. تاب‌آوری، این روزها به دغدغه‌ی مهمی برای شهرها بدل شده است.

۵

## کماندوهای را که طالبان آزاد کرده‌اند، به خانواده‌های خود پیوستند

اصبغ، کابل: شش سرباز کماندوی ارتش که در نتیجه تبادله‌ی زندانیان از بند طالبان رها شدند، به خانواده‌های خود پیوستند.

شاه‌محمود میاخیل، معاون اول وزارت دفاع ملی، روز جمعه، چهاردهم سنبله، با این شش سرباز کماندو دیدار کرده است.

او گفته است که این سربازان با خانواده‌هایشان یکجا شده‌اند. به گفته او، با رهایی این شش کماندو راه را برای شروع مذاکرات بین‌الافغانی هموار شده است.

معاون وزارت دفاع ملی افزوده است که چند روز پیش با خانواده‌های این شش سرباز کماندو دیدار کرده است و آن‌ها از این‌که طالبان از موجودیت این سربازان انکار کرده بودند، مایوس بودند.

هنوز مشخص نشده است که این سربازان در کجا توسط طالبان نگهداری می‌شده‌اند.

حکومت رهایی کامل ۴۰۰ زندانی طالبان را مشروط به رهایی سربازان کماندوی ارتش کرده بود.

شورای امنیت ملی روز پنج‌شنبه هفته گذشته اعلام کرد که طالبان تمامی کماندوهای ارتش را رها کرده‌اند.

این شورا هم‌زمان پایان روند رهایی زندانیان طالبان را نیز رها اعلام کرد.

براساس توافق‌نامه صلح امریکا و طالبان که در دهم حوت سال گذشته امضا شد، یک هزار نیروی امنیتی در بدل رهایی پنج هزار زندانی طالبان آزاد می‌شدند.

هرچند در این توافق‌نامه زمان تبادله زندانیان ده روز پیش‌بینی شده بود، اما این روند طولانی و با جنجال همراه شد.

حکومت برای رهایی ۴۰۰ زندانی طالبان لویه‌جرگه مشورتی صلح را نیز در روزهای هفدهم، هژدهم و نوزدهم اسد امسال فرا خواند.

هرچند روند رهایی زندانیان تکمیل شده، اما زمان شروع مذاکرات هنوز مشخص نیست.



## د کریکیت هیجان - راشد خان د مانسپتر انرژي سره یوځای شو!

راشد خان؛ د افغانستان کریکیت رنښتینی ستوری، د نړۍ له تر ټولو غوره توپ اچونکو او اوسمهال په افغانستان کې د مانسپتر انرژي لوبغاړی دی. په لومړیو کې د گران افغانستان په ختیځ ټنګرهار ولایت کې ۲۱ کلن راشد خان د یوه نوي ځوان په توګه د مسلکي کریکیت برخې ته په راتلو یې مخینې ریکارډونه په خپل کارنامه کې ثبت کړل، که څه هم د وروستیو دوو فصلونو په بهیر او په یوې نړیوالې څیرې د بدلیدو لپاره راشد خان پیکه پرمختګ درلودلی دی. په ۱۹ کلنۍ او ۱۶۵ ورځني ژوند کې، راشد خان د ۲۰۱۸ م کال د نړیوال مقدماتي پړاو جام برخه کې د افغانستان کریکیت ملي ټیم د کپتاني مسؤلیت هم پر غاړه درلود، ددې کار په ترسره کولو سره هغه د نړیوال کریکیت په تاریخ د تر ټولو ځوان کپتان په توګه مطرح شو. کله چې یې پر ۲۰ کلنۍ قدم کېښود - راشد خان د نړیوال کریکیت شورا په طبقه بندۍ کې د تر ټولو ځوان کریکیت لوبغاړي لقب خپل او د نړیوالو مخکښو لوبغاړو جدول په سر کې قرار وموند، د څو اوښو په تیریدو او د ۲۰ اوږه نړیوالو لوبو په ترسره کولو سره، هغه یو ځل بیا د غوره توپ اچونکي په توګه د نړیوال کریکیت شورا د تر ټولو ځوان کریکیت لوبغاړي لقب خپل کړ. له دې سره سره، اووه میاشتې وروسته راشد خان د آسیا اتلولي لوبو کې د فوق العاده وړتیا په ښودلو سره هلته هم د تر ټولو غوره لوبغاړي لقب خپل کړ - چې په هغه لوبه کې یې ۱۰ ویکي او ۸۷ منډې په یوه حد اوسط ۴۳.۵۰ کې له ځانه نندارې ته وړاندې کړې. د لوړو پر لېسې لقبونو په ترلاسه کولو سره راشد خان د اکتوبر په میاشته کې یو بل د نه بدلون وړ لقب راوړ، ټولټال یې په نړیوالو لوبو کې ۱۷۶ ویکي خپلې کړې، چې د گینس په کتاب کې یې د تر ټولو ځوان ویکي اخیستونکي ریکارډ په خپل نوم ثبت کړ.

اوسمهال د مانسپتر انرژي کورني د دايمي غړي په توګه د روان کال په پای او د افغانستان په استازیتوب راشد خان د مانسپتر نښان په خپل تخنیکي سبک او سوداګر یز نښان و نړیوال کریکیت په صحنه کې نندارې ته وړاندې کړي. راشد خان د خپل نوي قرارداد د لاسلیک کولو پر وخت وویل: "دا چې د مانسپتر انرژي له کورني سره یوځای کېږم، بې ساري خوشحاله یم، د یو بل په مرسته به په راتلونکي کې ډېر نور ریکارډونه مات او نوو لوړو پرمختګونو ته به ورسېرو."

د راشد خان اړوند لا ډیرو معلوماتو لپاره، لاندې انستاګرام نښلون ته سر وښکاره کړئ:

<https://www.instagram.com/rashid.khan19/>

د راشد خان انځورونو لیدلو لپاره:

<https://mm.monsterenergy.com/ExternalLinks/ExternalDownload?mld=ab3a9ad02efd3b471a9463c5ebf226c10d5859d5>

## تاریخچه انتخابات در ایالت آلابامای امریکا



ایالت آلاباما به مرکزیت شهر مونتگمری در جنوب‌شرقی امریکا قرار دارد که به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۸۱۹ به عنوان بیست‌ودومین ایالت به ایالات متحده امریکا پیوست. این ایالت در طول جنگ داخلی امریکا عضو کنفدراسیون کشورهای امریکا (Confederate States of America) بود که از ۱۱ ایالت شورشی تشکیل شد. طبق آخرین سرشماری جمعیت این ایالت ۴.۹۰۳.۱۸۵ تن و ترکیب جمعیتی آن از ۶۵.۳ درصد سفیدپوست...

۷



## دست‌آوردهای دو دهه اخیر باید حفظ شوند

قرار است طی روزهای آینده، نشست رو در روی افغان‌ها برای آوردن صلح به افغانستان آغاز شود. واقعیت این است که ما بیش از هر زمان دیگری نیاز چانه‌زنی برای حفظ دست‌آوردهای ۱۹ ساله اخیر داریم و در این میان، به حمایت جامعه جهانی نیز نیاز داریم تا این دست‌آوردها حفظ شوند. در واقع، نشست بین‌افغانی دوحه آزمون مشترکی برای هیأت مذاکره‌کننده و جامعه جهانی است تا از دست‌آوردهای ۱۹ ساله اخیر دفاع کنند. روزنامه دیلی‌میل چاپ بریتانیا نقل قولی از مولوی قلم‌الدین رییس امر به معروف و نهی از منکر حکومت طالبان منتشر کرده که در آن آقای قلم‌الدین درج نام مادر در شناسنامه‌های الکترونیکی را یک «اقدام غربی» و «مغایر با فرهنگ ملی» عنوان کرده است. هر چند آقای قلم‌الدین ظاهراً در چوکات هیأت رهبری فعلی طالبان حضور ندارد، اما واکنش او به درج نام مادر در تذکره‌های الکترونیکی نشان می‌دهد که مردم افغانستان برای حفظ دست‌آوردهای ۱۹ سال گذشته، روزهای سخت و دشواری را پیش روی دارند. آقای قلم‌الدین گفته است، «این طرح از امریکا و اروپا آمده و هیچ‌کس نمی‌تواند این طرح را به مردم افغانستان تحمیل کند.»

جالب این‌جا است که بی‌علاقه‌گی به افشای نام زنان در افغانستان بنیاد شرعی ندارد و در مناطقی از افغانستان و به مرور زمان به یک عرف و رویه بدل شده است. زمانی که رییس پیشین امر به معروف و نهی از منکر طالبان با این صراحت حتا با درج نام مادر در شناسنامه‌های برقی مخالفت کند، مشخص است که مردم افغانستان روزها و ماه‌های دشواری را برای پاس‌داشت از ارزش‌های دیگری مانند آزادی بیان، حقوق بشر، دست‌آوردهای زنان و خلاصه همه ارزش‌هایی که به دشواری به دست آورده‌اند، پیش رو دارند.

این نگرانی که دست‌آوردهای ۱۹ سال گذشته ممکن است در جریان مذاکرات صلح قربانی شوند همواره وجود داشته است. نهادهای مدنی و حمایت‌کننده از حقوق شهروندان نیز بارها اذعان کردند که حفظ ارزش‌ها باید برای حکومت افغانستان در اولویت همه بحث‌ها قرار داشته باشد. یکی اهداف اساسی صلح این است که مردم افغانستان پس از سال‌ها تحمل خشونت‌های مختلف، کنار هم و با حفظ همه ارزش‌های انسانی زنده‌گی کنند و زمینه‌هایی فراهم شود تا اقلیت‌های قومی و مذهبی، زنان و خلاصه همه نسل‌ها بتوانند بدون هیچ دغدغه‌ای کنار هم زنده‌گی صلح‌آمیز داشته باشند. اگر ما فردا به صلح برسیم اما تحصیل دختران را از دست بدهیم، این صلح هرگز سودی نخواهد داشت. اگر به صلح برسیم اما رسانه‌های ما توان رساندن فریاد مردم به حکومت را نداشته باشند، هرگز به صلح دل‌خواه مردم افغانستان دست نیافته‌ایم. اگر به صلح برسیم اما به جای اعتدال و میانه‌روی، شاهد رشد چشم‌گیر افکار افراط‌گرایانه باشیم، زنده‌گی برای مردم افغانستان دشوارتر خواهد شد. صلح نباید مغایر ارزش‌های قانون اساسی افغانستان باشد و مبارزات مشروع مردم افغانستان را دور بزند. صلح نباید هرج‌ومرج و بی‌نظمی به ارمغان بیاورد و در نهایت صلح نباید منجر شود تا ما به سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ برگردیم. اتفاقاً، صلح باید نظم، قانون‌مندی، رفاه، آسایش و آزادی به ارمغان بیاورد و در نهایت صلح باعث شود که تمام طیف‌ها در افغانستان با آرامش کامل و بدون دغدغه‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ کنار هم زنده‌گی کنند.

طالبان نیز باید بپذیرند که افغانستان شاهد نسل جدیدی است. اتفاقاً نسلی که در صفوف جنگی طالبان هم علیه نظام موجود می‌جنگند، همان نسل سابق نیستند. آن‌ها باید بپذیرند که حفظ ارزش‌های قانون اساسی، دست‌آوردهای مشترک مردم افغانستان و جامعه بین‌المللی، نظام سیاسی، حقوق بشر، آزادی بیان و انتخابات دست‌آوردهای کلان برای افغانستان‌اند. بدون این دست‌آوردها، افغانستان، تافته‌ای جدا بافته از جامعه بین‌المللی محسوب می‌گردد و حکومت‌داری، تعامل با جهان و در نهایت سیاست‌ورزی در جهان امروز با چالش‌های بزرگی روبه‌رو خواهد شد. افغانستان بعد از صلح، هرگز نباید دوباره به انزوای بین‌المللی برود. افغانستان بعد از صلح نباید به دلیل تضاد افکار دوباره وارد جنگ شود. افغانستان بعد از صلح باید زنان را به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار بپذیرد و به حقوق آن‌ها احترام بگذارد. در افغانستان بعد از صلح باید آزادی‌های مدنی و سیاسی هم‌چنان حفظ شوند و به نظریات دیگران احترام گذاشته شود. این آزادی‌ها وقتی سلب شود، زمینه را برای بی‌ثباتی سیاسی بزرگ خلق می‌کند.

## شبکه شش نفری عرضه‌کننده مواد مخدر با ۳۰ هزار تابلیت «کا» از کابل بازداشت شد



**۸صبح، کابل:** وزارت امور داخله اعلام کرد که پولیس مبارزه با جرایم جنایی یک شبکه شش نفری از عرضه‌کننده‌گان مواد مخدر را با مبلغ هنگفت پول و تابلیت‌های نشئه‌آور از شهر کابل بازداشت کرده است. پولیس در این عملیات هفت میلیون افغانی و ۳۰ هزار تابلیت «کا» کشف و ضبط کرده است.

طبق اعلام وزارت امور داخله، یک زن نیز عضو این شبکه عرضه‌کننده مواد مخدر است.

در خبرنامه وزارت امور داخله که روز شنبه، پانزدهم سنبله نشر شد، آمده است که این افراد طی عملیاتی در ناحیه هشتم شهر کابل بازداشت شده‌اند.

محمدهاشم اورتاق، معین مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله گفته است که در این عملیات هفت میلیون افغانی پول نقد و یک موتر به دست پولیس افتاده است.

به گفته اورتاق، نزدیک به ۳۰ هزار تابلیت

نشئه‌آور «کا» نیز از نزد بازداشت‌شده‌گان به دست آمده است.

بر اساس گزارش‌ها، تابلیت «کا» برای نخستین بار در سال ۱۳۸۷ در هلمند به دست نیروهای امنیتی افتاده بود.

این تابلیت نشئه‌آور که به سلامت جسمی و روانی استفاده‌کننده‌گان خطرآفرین عنوان شده است، در سال‌های اخیر استفاده آن افزایش یافته است.

در بین جوانان از این تابلیت به نام‌های مختلف از جمله «ریدبال»، «شیرچاپ»، «ارث»، «دندان»، «پنج ستاره»، «یک و دو»، «سلور»، «دانس» و دیگر نام‌های مستعار یاد می‌شود.

هر چند خرید، فروش و استفاده این تابلیت از سوی وزارت امور داخله ممنوع اعلام شده، اما استفاده‌کننده‌گان به ساده‌گی می‌توانند این نوع مواد مخدر را از محل‌های مخصوص به دست بیاورند.

## نزاع بر سر نذر؛ مردی در بامیان مادر زنش را با سنگ کشت



**۸صبح، بامیان:** مسوولان امنیتی بامیان از کشته‌شدن یک خانم توسط دامادش در ولسوالی یک‌اولنگ این ولایت خبر می‌دهند.

یک منبع امنیتی که نمی‌خواهد نامش در خبر ذکر شود، می‌گوید که زنان اهالی دهکده «قلعه نو» منطقه‌ی «بکک» نخست بر سر نذر عاشورا با هم سر و صدا می‌کنند و پس از آن مردان نیز پا پیش می‌گذارند و درگیری آغاز می‌شود.

در جریان این درگیری و زدوخورد که زنان نیز حضور داشته‌اند، مردی با سنگ بر پیشانی مادر زنش می‌کوبد و او قبل از رسیدن به شفاخانه به دلیل جراحت و خون‌ریزی زیاد، جان می‌دهد.

به گفته‌ی مسوولان امنیتی، این قضیه روز

پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته، سیزدهم سنبله، در منطقه‌ی «بکک» ولسوالی یک‌اولنگ رخ داده است.

رضا یوسفی، سخنگوی فرماندهی پولیس بامیان با تأیید این رویداد می‌گوید که ماموران امنیتی، سه نفر به‌شمول داماد را بازداشت کرده و تحقیقات از نزد آن‌ها جریان دارد.

به نقل از منبعی که نمی‌خواهد نامش فاش شود، داماد در اظهارات خود گفته که در قتل مادر زنش دست ندارد؛ بلکه او به علت مشکل روانی، با سنگ بر پیشانی‌اش کوبیده و خودکشی کرده است.

براساس معلومات مسوولان امنیتی بامیان، طرفین قضیه از گذشته باهم خصومت داشتند.

## مقام‌ها در پروان: طالبان دو نفر به شمول یک نظامی را تیرباران کردند

**۸صبح، پروان:** مقام‌ها در پروان می‌گویند که افراد وابسته به گروه طالبان دو نفر را در ولسوالی سیدخیل این ولایت تیرباران کرده‌اند.

این رویداد ساعت ۷:۰۰ صبح روز شنبه، پانزدهم سنبله، در ساحه آفتاب ولسوالی سیدخیل ولایت پروان رخ داده است.

محمدلمر عثمان‌یار، ولسوال سیدخیل ولایت پروان، می‌گوید که یکی از کشته‌گان «کارمند استخبارات» ولسوالی بگرام بوده است.

## برشنا: واردات برق از تاجیکستان به حالت عادی برمی‌گردد



**۸صبح، کابل:** شرکت برشنا اعلام کرد که تاجیکستان اعلام آماده‌گی کرده است تا صادرات برق خود را به افغانستان دوباره به حالت عادی برگرداند.

مجتبی هوشمند، مشاور برنامه‌های شرکت برشنا، روز شنبه، پانزدهم سنبله، در یک نشست خبری گفت که جانب تاجیکستان هفته گذشته اطمینان داده است که صادرات برق خود را به افغانستان عادی می‌سازد.

شرکت برشنا در ششم اسد امسال اعلام کرد که تاجیکستان صادرات برق خود را به افغانستان کاهش داده است.

مجتبی هوشمند گفت که دلیل کاهش صادرات برق تاجیکستان به کشور، پایین آمدن سطح آب در بند برق صادراتی بوده است.

به گفته او، صادرات برق تاجیکستان از ۱۵۰ میگاوالت به کم‌تر از ۵۰ میگاوالت کاهش یافته بود.

با این حال، او گفت که تاجیکستان برای صادرات کامل ۱۵۰ میگاوالت برق اعلام آماده‌گی کرده است.

شرکت برشنا در ششم اسد مقدار برق وارداتی از تاجیکستان را ۳۵۰ میگاوالت اعلام کرده بود. مشاور برنامه‌های شرکت برشنا گفت که برق وارداتی تاجیکستان در ولایت‌های شمال توزیع می‌شود و همه انرژی مورد نیاز کابل از برق وارداتی اوزبیکستان تأمین خواهد شد.

به گفته او، تلاش می‌شود تا استفاده از بند برق نغلو متوقف و در عوض آن آب برای تولید برق در زمستان ذخیره شود.

در این نشست خبری، مسوولان شرکت برشنا درباره برنامه‌های این شرکت برای تولید انرژی برق آفتابی نیز معلومات دادند و آن را از اولویت‌های برشنا عنوان کردند.

## حمله طالبان بر ولسوالی غوریان هرات

**۸صبح هرات:** منابع معتبر مردمی در ولسوالی غوریان هرات، از حمله طالبان بر بازار ولسوالی و پاسگاه‌های امنیتی خبر می‌دهند.

یک بزرگ قومی در ولسوالی غوریان که از ذکر نامش خودداری می‌کند، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید طالبان صبح روز شنبه، پانزدهم سنبله، بر بخش‌هایی از بازار ولسوالی و پاسگاه‌های پولیس حمله کرده‌اند.

به گفته‌ی او، درگیری میان جنگ‌جویان طالبان و نیروهای امنیتی در سرک نو در نزدیکی بازار ولسوالی جریان دارد.

یک منبع معتبر دیگر که از ذکر نامش خودداری می‌کند، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که درگیری میان طالبان و نیروهای امنیتی تا نزدیک فرماندهی پولیس ولسوالی رسیده است. عبدالاحد ولی‌زاده، سخنگوی فرماندهی پولیس هرات، به ۸صبح می‌گوید چند فرد موترسایکل‌سوار صبح امروز وارد بازار ولسوالی شدند، اما با واکنش نیروهای امنیتی فرار کرده و در مناطق مسکونی جای گرفتند.

او می‌افزاید که درگیری میان طالبان و نیروهای امنیتی جریان دارد و نیروهای کمکی به محل رسیده‌اند.

ولسوالی غوریان در غرب هرات از جمله ولسوالی‌های مهم این ولایت است که با ایران مرز مشترک دارد.

طالبان پیش از این در چند مورد دیگر بر این ولسوالی حمله کرده و حتا ساختمان اداری و برخی بخش‌های مهم آن را تصرف کردند.

# تاخیری هم سفر هیأت مذاکره‌کننده دولت به قطر؛ آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی در گرو تردید طالبان



حسب بهس

زمان سفر هیأت مذاکره‌کننده دولت به دوحه هم‌چنان مبهم باقی مانده است. هرچند منابع می‌گویند که این سفر برای فردا تنظیم شده است، اما اعضای هیأت مذاکره‌کننده تصریح می‌کنند که هنوز زمان دقیقی برای سفر آنان به قطر در نظر گرفته نشده است. منابع در حکومت پیش‌تر دلیل این تاخیر را حضور نداشتن برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده طالبان در قطر خوانده بودند. طالبان اما روز گذشته تأیید کردند که اعضای هیأت این گروه به قطر بازگشته‌اند و آماده آغاز مذاکرات‌اند. از سوی هم، با آن‌که حکومت از پایان روند تبادل زندانیان خبر داد، اما این پرونده هنوز برای گروه طالبان بسته نشده است. طالبان می‌گویند که میان آمارهای ارائه‌شده از سوی حکومت و آمارهای ثبت شده نزد این گروه، حدود ۱۹۹ زندانی تفاوت وجود دارد. این گروه تأیید می‌کند که گفت‌وگوها میان هیأت فنی دو طرف پیرامون حل این موضوع ادامه دارد. حکومت اما پیش‌تر این روند را پایان یافته اعلام کرده است، زیرا به گفته مقامات، روند تبادل زندانیان در حضور تیم فنی طالبان و متناسب به فهرست این گروه تکمیل شده است.



سفر هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان برای سومین روز پی هم به تاخیر افتاد تا بدین ترتیب، آغاز مذاکرات بین‌الافغانی در هاله‌ای از ابهام قرار بگیرد. منابع در حکومت روز شنبه، شانزدهم سنبله گفتند که سفر هیأت مذاکره‌کننده برای فردا تنظیم شده است و احتمال دارد که این هیأت یک‌جا با هیأت شورای عالی مصالحه ملی و تیم فنی مذاکرات، به دوحه سفر کنند. اعضای هیأت مذاکره‌کننده اما می‌گویند که زمان سفرشان به قطر تاکنون مشخص نشده است. حفیظ منصور، عضو هیأت مذاکره‌کننده روز شنبه، هیأت هم‌چنان منتظر مانده‌اند و زمان دقیقی از سوی حکومت برای سفر آنان به دوحه تعیین نشده است. وزارت دولت در امور صلح اما دلیل تاخیر را هم‌چنان حضور نداشتن برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده طالبان در دوحه می‌خواند. ناجیه انوری، سخنگوی این وزارت روز شنبه، شانزدهم سنبله گفت که اقدامات و آماده‌گی‌های حکومت برای نخستین دور مذاکرات مستقیم با گروه طالبان تکمیل شده است و اعضای هیأت مذاکره‌کننده آماده اشتراک در این مذاکرات‌اند. وی اما می‌گوید که اقدامات و آماده‌گی‌های «جوانب

دخیل در روند صلح افغانستان، به ویژه گروه طالبان» تکمیل نشده است، زیرا به گفته بانو انوری، عده‌ای از افراد طالبان که در روند مذاکرات دخیل‌اند، هنوز در پاکستان‌اند باید در دوحه حضور یابند. سخنگوی وزارت دولت در امور صلح تصریح کرد که حکومت باید از حضور همه اعضای هیأت مذاکره‌کننده طالبان در قطر اطمینان حاصل کند. افراد نزدیک به گروه طالبان روز گذشته تأیید کردند که برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده این گروه روز شنبه، شانزدهم به دوحه رسیده‌اند. پیش‌تر، حکومت گفته بود که برای حفظ پرستیژ هیأت دولت، باید از حضور همه اعضای هیأت مذاکره‌کننده طالبان و ملا برادر آخوند در دوحه پیش از سفر هیأت دولت مطمئن شود. این در حالی است که هم‌زمان با هیأت مذاکره‌کننده دو طرف، قرار است عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی و حنیف اتمر، وزیر امور خارجه نیز به دوحه سفر کنند. افزون بر این، امیر قطر، وزیر امور خارجه امریکا، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان و وزیران خارجه کشورهای همسایه نیز از افرادی‌اند که قرار است در برنامه‌ی گشایش این گفت‌وگوها حضور یابند. هم‌زمان با این، منابع آگاه از روند صلح حضور نداشتن برخی از هیأت مذاکره‌کننده طالبان، از جمله رییس کمیسیون سیاسی این گروه را تنها یک دلیل برای

هنوز پایان نیافته است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان روز شنبه، شانزدهم سنبله گفت که کار هیأت فنی این گروه پیرامون آمارهای زندانیان ادامه دارد، زیرا به گفته وی، تفاوت در میان آمارهای ارائه‌شده از سوی حکومت و آمارهای ثبت شده نزد این گروه محسوس است. سخنگوی گروه طالبان افزود که از میان مجموع زندانیان، حدود ۱۱۹ زندانی این گروه هنوز آزاد نشده‌اند و این مورد باید ثابت شود. ذبیح‌الله مجاهد تصریح کرد که بحث روی این موضوع میان هیأت فنی حکومت و طالبان ادامه دارد و این روند در حال نهایی شدن است. حکومت اما می‌گوید که روند تبادل زندانیان بر اساس فهرست ارائه شده این گروه تکمیل شده است و تیم فنی طالبان نیز در این روند حضور داشته است. یک منبع در حکومت افزود، مکانیسمی برای روند تبادل زندانیان در تفاهم میان دو طرف ساخته شده بود که این روند بر اساس آن آغاز شد و یک تیم فنی متشکل از حکومت و طالبان نیز در آن حضور داشتند. این منبع حضور تیم فنی طالبان در این روند را تأیید کرد و تصریح می‌کند که تبادل زندانیان بر اساس فهرست ارائه‌شده از این گروه صورت گرفته است. این در حالی است که پیش از این نیز حکومت و طالبان بارها از تفاوت در آمارهایی که از سوی دو طرف ارائه می‌شد، سخن گفته بودند. گفتنی است که توافق‌نامه صلح دوحه میان امریکا و گروه طالبان بر تبادل یک هزار زندانی نیروهای امنیتی با پنج هزار زندانی گروه طالبان تأکید کرده بود. این روند اما بنا بر ایرادهایی که در جریان این روند از سوی حکومت مطرح شده بود، با کندی به پیش رفت. بر اساس گفته‌های دو طرف، مذاکرات بین‌الافغانی باید سه روز پس از پایان روند تبادل زندانیان، آغاز می‌شد. اکنون هر چند حدود یک هفته از پایان این روند می‌گذرد، اما زمان آغاز مذاکرات بین‌الافغانی هم‌چنان مبهم است.

تأخیر سفر هیأت مذاکره‌کننده دولت می‌دانند. این منابع تصریح می‌کنند که طالبان هنوز اعلامیه‌ی شان پیرامون پایان یافتن روند تبادل زندانیان را صادر نکرده‌اند و نیاز است که این اعلامیه صادر شود. سیداکبر آغا، وزیر عدلیه زمان طالبان و از افراد آگاه در روند صلح به روزنامه ۸صبح گفت که طالبان به گونه یقینی پیرامون آمارهای زندانیان آزادشده این گروه بررسی‌هایی را انجام می‌دهند و سپس اعلامیه‌ی شان را صادر می‌کنند. وی هم‌چنان افزود که جایگاه دو طرف در مذاکرات بین‌الافغانی هنوز تعریف نشده است و نیاز است این مورد نیز مشخص شود، زیرا به گفته‌ی وی، طالبان پیش‌تر بر نام واضح دو طرف در میز مذاکره تأکید کرده‌اند. وی در ادامه نبود گروه میانجی میان هیأت دولت و گروه طالبان را نیز یک چالش اساسی پیرامون تاخیر در آغاز مذاکرات دانست و افزود که در شرایط کنونی، تنها ملت می‌تواند که این میانجی‌گری را به دوش بگیرند.

## روند رهایی زندانیان طالبان هنوز برای این گروه پایان نیافته است

حکومت در یازدهم سنبله اعلام کرد که روند تبادل زندانیان حکومت و طالبان با رهایی ۳۲۰ زندانی این گروه و ۲۲ کماندوی افغان، تکمیل شده است. طالبان اما اکنون می‌گویند که روند رهایی زندانیان این گروه

# بازاریابی هراتیان برای محصولات کشاورزی وطنی



خلیل رسولی

شماری از فعالان مدنی در هرات برای پشتیبانی از فرآورده‌های کشاورزی وطنی «کارزار ده روزه‌ای» را آغاز کرده‌اند. در این کارزار قرار است به حمایت از محصولات «انگور و انجیر» هرات که شهرت جهانی دارد، در بازارهای داخلی و خارجی بازاریابی شود. فعالان مدنی هرات هم‌زمان با این در شبکه‌های اجتماعی مردم را به مصرف فرآورده‌های کشاورزی وطنی تشویق می‌کنند. هنرمندان مدیریت تیاتر هرات نیز قرار است درباره اهمیت استفاده از تولیدات داخلی نمایش هنری اجرا کنند. باغداران و کشاورزان این اقدام را برای پشتیبانی و فراهم‌سازی بازار فروش برای محصولات خود سودمند می‌دانند و بر تداوم حمایت‌های مردم و حکومت برای فروش محصولات کشاورزی پافشاری دارند. فعالان مدنی و ساکنان هرات برای معرفی محصولات کشاورزی این ولایت در بازارهای داخل کشور و بازار خارجی آستین بالا زده‌اند. قرار است در جریان یک کارزار ۱۰ روزه مردم با هدف پشتیبانی از کشاورزان و بازاریابی برای محصولات آنان، دست به کار شوند. انگورهای رنگارنگ و انجیر هرات که از چند روز پیش فصل برداشت آن آغاز شد، سال‌های گذشته روی دست کشاورزان و باغداران می‌ماند و بازار مناسبی برای فروش آن وجود نداشت، اما حالا مردم می‌خواهند در بازاریابی، معرفی و مصرف میوه‌های داخلی سهم بگیرند. فعالان مدنی، کشاورزان و باغداران با حضور در نشست مشترک، روی چگونه‌گی حمایت و بازاریابی برای میوه‌های وطنی باهم تبادل نظر نمودند، تا راه‌کارهای مناسب برای فروش بهتر فرآورده‌های کشاورزی جست‌وجو شود. سیداشرف سادات، از فعالان مدنی هرات، به روزنامه



۸صبح می‌گوید کارزار پشتیبانی از میوه‌های وطنی روز شنبه، پانزدهم سنبله، آغاز شد و قرار است مردم به حمایت از انگور هرات بسیج شوند. به گفته‌ی او، هم‌زمان با این، تلاش می‌شود با راه‌اندازی یک «هشتگ» در شبکه‌های اجتماعی و ساخت نمایش‌نامه با هم‌آهنگی مدیریت تیاتر هرات، فرهنگ استفاده و حمایت از فرآورده‌های کشاورزی به ویژه انگور نهادینه شود. فریدون فکوری، مدیر تیاتر هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید جشنواره‌ی به نام «راه ابریشم» از حدود دو ماه پیش برای پشتیبانی از محصولات صنعتی و فرآورده‌های کشاورزی وطنی راه‌اندازی شده است. به باور او، برای حمایت از تولیدات داخلی و فرهنگ‌سازی به هدف استفاده از محصولات داخلی به جای کالای وارداتی، باید فعالیت‌های بیش‌تری از سوی فرهنگیان، هنرمندان و شخصیت‌های بانفوذ صورت بگیرد. آقای سادات اضافه کرد، برای حمایت از فرآورده‌های انگور هرات با مسوولان اداره محلی این ولایت گفت‌وگو شده تا با پشتیبانی از این روند، انگور در فصل برداشت در «فهرست غذایی نیروهای امنیتی» گنجانده شود. فعالان مدنی هرات نشست‌هایی با والی این ولایت هم

سیدوحید قتالی، والی هرات، در نشستی خبری از تلاش اداره محلی برای فراهم‌سازی زمینه فروش و مصرف بیش‌تر فرآورده‌های کشاورزی ملی سخن گفت و افزود، فروش حدود ۱۲۰ هزار تُن انگور با «فروش اندک» در بازار دشوار است. والی هرات تأکید کرد، با هم‌کاری مردم باید جلو آسیب‌های احتمالی به دهقانان گرفته شود و تمام هراتیان باید به «کارزار حمایت از میوه‌های وطنی» بپیوندند. آقای قتالی تأکید کرد، با مقام‌های ارشد نظامی رأی‌زنی کرده تا از میوه‌های وطنی در سفره‌های نظامیان استفاده شود. مقام‌های محلی هرات تلاش دارند تا افزون بر استفاده از انگور و انجیر در پایگاه‌های نظامی، میوه‌های وطنی در فهرست غذایی زندان مرکزی این ولایت نیز اضافه شود و مقدار قابل‌توجهی از محصولات کشاورزان از این طریق خریداری شود. مسوولان ریاست زراعت، مالداران و آبیاری هرات می‌پذیرند که همه‌گیری ویروس کرونا در کشور، تأثیرات منفی اقتصادی بر کسب‌وکار کشاورزان و باغداران داشته و بسته‌شدن مرز کشورها بر روی صادرات، راه رسیدن محصولات وطنی به بازارهای جهانی را دشوار کرده است. همین چند روز پیش برای معرفی انگور، انجیر و عسل هرات، ریاست زراعت این ولایت مراسمی برگزار کرد تا فرآورده‌های کشاورزان از طریق رسانه‌ها به مردم افغانستان و کشورهای خارجی معرفی شود. با این وجود ریاست زراعت هرات نبود زیرساخت‌ها را مانع بزرگی برای صادرات فرآورده‌های کشاورزی می‌داند. بر اساس پیش‌بینی‌هایی که صورت گرفته، امسال قرار است در هرات بیش‌تر از ۱۲۰ هزار تُن انگور و حدود هشت‌هزار تُن انجیر برداشت شود، اما در نبود زیرساخت‌های مناسب برای صادرات محصول انگور، برخی باغداران تلاش دارند انگور را به کشمش بدل کنند.

## داعش خراسان:

# فصل جدید ناامنی‌ها در افغانستان و منطقه



بحث‌های متعددی در قبال پروسه صلح افغانستان مطرح است. سولاتی در مورد زمان و مکان مذاکرات، آجندا و چگونه‌گی پیش‌برد مذاکرات، ترکیب هیات‌های مذاکره‌کننده، خطوط سرخ جانبین، چانس موفقیت مذاکرات و ده‌ها مساله دیگر از این قبیل اذهان عامه را مشغول ساخته است؛ ولی پرسشی که کم‌تر مطرح می‌شود، این است که آیا موفقیت در مذاکرات با طالبان منجر به صلح در افغانستان خواهد شد یا خیر؟ در این شکی نیست که در صورت حصول نتایج مثبت از مذاکرات با طالبان، جنگ با این گروه ختم خواهد شد. ولی این‌که آیا صلح با طالبان به معنای صلح در کشور خواهد بود، پرسشی است قابل تأمل، زیرا در حال حاضر علاوه بر طالبان، حدود بیست گروه تروریستی خارجی در حال نبرد با دولت افغانستان‌اند که در صدر آن‌ها داعش شاخه خراسان قرار داشته و مصمم به تداوم و تشدید جنگ می‌باشد.

در ادامه این مقاله کوتاه به صورت فشرده به تحلیل همین موضوع پرداخته و دلایل مشخصی را مبنی بر این‌که حتا در صورت موفقیت گفت‌وگوهای صلح با طالبان، جنگ در افغانستان ختم نشده و داعش خراسان محرک آغاز فصل جدیدی از ناامنی‌ها در افغانستان و منطقه خواهد شد، ارایه می‌دارم.

### داعش خراسان چیست و چگونه به وجود آمد؟

داعش خراسان که خلاصه «دولت اسلامی عراق و شام، ولایت خراسان» می‌باشد، برای اولین بار در اواخر سال ۲۰۱۴ در ولایت‌های فراه و هلمند تحت رهبری ملا عبدالرووف خادم ظهور کرد. ملا خادم یکی از فرماندهان طالبان بود که در زمان حاکمیت آنان به عنوان والی کتر وظیفه داشت و بعد از سقوط حکومت طالبان، توسط نیروهای امریکایی بازداشت شده به زندان گوانتانامو فرستاده شد، ولی بعداً به دلیل این‌که گویا دیگر تهدیدی برای امریکا تلقی نمی‌شد، رها گردید. وی بعد از رهایی دوباره به صفوف طالبان پیوست و به حیث والی نام‌نهاد آنان در ولایت ارزگان مقرر شد. در اواخر سال ۲۰۱۴ روابط ملا خادم به دلایل نامعلومی با رهبری طالبان تیره شد و گروه طالبان را ترک و با داعش بیعت کرد.

هم‌زمان با این، شش فرمانده برجسته تحریک طالبان پاکستان - شاهدالله شاهد، حافظ سعید خان، حافظ دولت خان، مولانا گل‌زمان، مفتی حسن و خالد منصور - با داعش بیعت کرده پرچم سیاه این گروه را در شرق افغانستان و مناطق مرزی پاکستان به اهتزاز درآوردند. به تاریخ ۲۶ جنوری ۲۰۱۵ سخنگوی داعش ابومحمد الادنانی، ایجاد ولایت خراسان این گروه را رسماً تأیید کرده حافظ سعید خان را به عنوان والی و ملا عبدالرووف خادم را به عنوان معاون وی اعلام داشت. اکثریت جنگ‌جویان تحت فرمان ملا خادم از اهالی جنوب افغانستان می‌باشند، ولی جنگ‌جویان داعش خراسان در شرق افغانستان را عمدتاً شهروندان پاکستانی از اقوام اورکزی، افریدی و باجور تشکیل می‌دهند.

با اعلام بیعت به داعش و سوگند وفاداری به ابوبکر البغدادی، داعش خراسان اساساً مشروعیت دینی ملا عمر رهبر طالبان را من‌حیث امیرالمومنین به چالش کشیده و در مخالفت مستقیم با این گروه ایستاد. گروه داعش به زودی خود را در مقابله با طالبان، نیروهای امنیتی افغانستان و متحدان بین‌المللی یافته و آماج حملات گسترده نظامی قرار گرفت.

به تاریخ ۹ فبروری ۲۰۱۵ ملا خادم و چند تن از همراهانش در یک عملیات ویژه نیروهای افغان در ولسوالی کجکی ولایت هلمند کشته شد و با مرگ وی گروه نوظهور داعش خراسان در جنوب افغانستان از میان رفت؛ ولی بخش شرقی این گروه توانست هم‌چنان خود را حفظ کند و به فعالیت‌هایش ادامه دهد. در جریان عملیات «ضرب عضب» ارتش پاکستان در مناطق سرحدی این کشور طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، تعداد زیادی از جنگ‌جویان خارجی مربوط گروه‌های تروریستی مختلف مانند نهضت اسلامی ترکستان شرقی (چینیایی)، جنبش اسلامی اوزبیکستان (اوزبیکستانی)، جندالله و جماعت انصارالله (تاجیکستانی)، القاعده (اتباع کشورهای مختلف) و چندین گروه تروریستی پاکستانی به شمول سپاه



دکتر آرمین موج شریفی

رییس پیشین ارزیابی تهدیدات ملی دفتر شورای امنیت ملی و پژوهش‌گر ارشد مطالعات امنیت ملی

تهدید بالفعل محسوب نمی‌شود. براساس همین منطق، به هراندازه که سطح نیت و توانایی یک گروه در ایجاد خشونت بیش‌تر باشد، سطح تهدید آن بلندتر ارزیابی می‌گردد. من به حیث کسی که سال‌ها در مورد داعش خراسان در سمت رسمی دولتی و در سطوح اکادمیک مطالعه کرده‌ام، به این باورم که وضعیت جاری و تحولات آینده در افغانستان و منطقه باعث بلند رفتن سطح نیت و توانایی این گروه در ایجاد خشونت گردیده و داعش خراسان به محرک فصل جدیدی از جنگ در افغانستان و ناامنی در منطقه مبدل خواهد شد. این استدلال بر دلایل ذیل استوار است:

### ارتجاعیت و مقاومت داعش خراسان در برابر حملات نظامی:

داعش خراسان ثابت ساخته است که می‌تواند در برابر فشارهای شدید نظامی انعطاف و مقاومت داشته و نیروی از دست رفته خویش را احیا کند. از بدو تأسیس این گروه تا حالا، نیروهای افغان و امریکایی پنج رهبر داعش خراسان، به شمول عبدالرووف خادم، حافظ سعید، سعد اماراتی، شیخ عبدالحسب لوگری و ابوسعید باجوری را کشته و اسلم فاروقی را بازداشت کرده‌اند. علاوه بر آن، ده‌ها فرمانده برجسته و هزارها جنگ‌جوی این گروه در این عملیات‌ها کشته، بازداشت و یا به شکلی از میدان نبرد خارج ساخته شده‌اند. اما این گروه همواره توانسته است رهبری، فرمانده و جنگ‌جوی جدید و تازه‌نفس استخدام کرده و به فعالیت‌های تروریستی خویش ادامه دهد. نه تنها این، بلکه با وصف همه‌ی فشارهای نظامی و زبان‌های وارد آمده، این گروه توانسته است به صورت مستمر صفوف خویش را طولانی ساخته، ساحات نفوذ خود را گسترش دهد و تعداد و قدرت تخریب عملیات‌هایش را انکشاف دهد. تکامل تدریجی اما مطمئن چندین ساله داعش خراسان، با وجود فشارهای شدید نظامی، می‌رساند که گروه موصوف توانایی بقا و توسعه در آینده را نیز داشته و به احتمال قوی هم‌چنان سیر تکاملی خویش را طی خواهد کرد.

### داعش خراسان و صلح میان دولت و طالبان:

بیش از چهار دهه جنگ تبعات منفی زیاد بالای جامعه افغانی از خود به جا مانده که همه زمینه تداوم جنگ و خشونت را تسهیل می‌سازند. ترویج افراط‌گرایی مذهبی، فرهنگ نظم‌ستیزی، بی‌سوادی، جرایم سازمان‌یافته، اقتصاد جرمی، خصومت‌های شخصی و غیره همه محصول جنگ بوده که هم‌زمان شرایط ادامه جنگ و خشونت را بیش از پیش فراهم می‌سازد. پس جنگ جاری در افغانستان ابعاد و علل مختلف داشته که با امضای توافق‌نامه صلح میان دولت و طالبان از بین نخواهد رفت. به طور قطع می‌توان گفت که در صورت موفقیت مذاکرات صلح دولت و طالبان، تعداد زیادی از جنگ‌جویان طالبان، اعم از فرماندهان و صفوف، بنا بر دلایل ایدئولوژیک، منفعت‌خواهی مالی، مجبوریت‌های شغلی، خصومت‌های شخصی، ناهنجاری‌های روانی و غیره خواهان تداوم جنگ بوده و اسلحه‌شان را به زمین نخواهند گذاشت. در این صورت، این افراد ضرورت به یک مرجع دیگری دارند که جانشین تحریک طالبان شده و بتواند زمینه جنگیدن را با ایجاد رهبریت، سیستم سوق و اداره، تدارک لجستیکی و مالی، انگیزه و غیره را برای‌شان فراهم سازد. داعش خراسان تمام این موارد را به خوبی، حتا بهتر از طالبان فراهم کرده و این جنگ‌جویان را با آغوش باز خواهد پذیرفت. در حقیقت روند جذب افراد طالبان به داعش خراسان از دو سال بدین سو عملاً آغاز شده که در صورت موفقیت پروسه صلح به شدت تسریع خواهد شد. با این کار نه تنها صفوف داعش خراسان با جنگ‌جویان طالب تقویت شده، بلکه تحریک طالبان من‌حیث یگانه رقیب این گروه از میدان نبرد خارج خواهد شد.

### ایدئولوژی فراقومی داعش خراسان:

برعکس تحریک طالبان که با وصف اسلام‌گرا بودن به شدت متأثر از سنن پشتون‌والی بوده و اهداف سیاسی‌اش عموماً منوط بر محدوده جغرافیای افغانستان است، داعش خراسان کاملاً یک گروه غیرقومی بوده و هدف منطقه‌ای و حتا جهانی دارد. این گروه پیرو ایدئولوژی سلفی است که اساساً مشروعیت

هر نوع هویت قبیله‌ای، قومی، ملی و حتا نژادی را میان امت اسلامی رد کرده و هدفش احیای خلافت واحد اسلامی در سراسر جهان است. از این رو، ایدئولوژی این گروه میان اقوام مختلف افغانستان و منطقه پیروان خود را دریافته است. این موضوع از یک سو بستر گسترده سربازی‌گیری را برای داعش خراسان آماده کرده و از جانب دیگر باعث جذب تعدادی از جوانان تحصیل‌کرده و باورمند به ایده‌ی سلفیزم به این گروه شده است. متأسفانه بنا بر دلایل مختلف، جذب این ایدئولوژی در منطقه در حال رشد است که در تقویت داعش خراسان نقش کلیدی دارد.

### موجودیت ساحات بدون حاکمیت دولتی در منطقه:

یکی از عناصر عمده در رشد گروه‌های تروریستی، مناطقی است که بالای آن حاکمیت دولتی یا وجود نداشته باشد و یا خیلی ضعیف باشد. در این نوع مناطق، گروه‌های تروریستی از خلای حاکمیت دولتی استفاده کرده و از اهالی، منابع و جغرافیای منطقه برای راهاندازی فعالیت‌های تروریستی استفاده می‌کنند، بدون این‌که ترس از نیروهای دولتی داشته باشند. متأسفانه نبود و یا ضعف حاکمیت دولتی در مناطق مختلف افغانستان و پاکستان به شدت محسوس بوده و به نظر نمی‌رسد که این معضل در آینده نزدیک حل گردد. سایر کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی-شرقی در حال حاضر با این مشکل مواجه نیستند و توانسته‌اند کنترل شدید را در قلمرو خود حفظ کنند. ولی این‌که این وضعیت تا چه وقت می‌تواند ادامه یابد، پرسشی است قابل تأمل. در کنار عوامل دیگر، ضعف حاکمیت دولتی در منطقه زمینه رشد داعش خراسان را تسهیل می‌کند.

### الحاق سایر گروه‌های تروریستی خارجی با داعش خراسان:

در حال حاضر، در حدود ۲۰ گروه تروریستی غیرافغانی، به شمول القاعده، داعش، تحریک اسلامی ترکستان شرقی، تحریک اسلامی اوزبیکستان، انصارالله، جندالله، لشکر طیبه، تحریک طالبان پاکستان، سپاه صحابه، مجاهدین البدر، لشکر جنگجوی و غیره در مناطق مختلف افغانستان و پاکستان فعالیت دارند. هدف اصلی این گروه‌ها جنگ در افغانستان نبوده، بلکه استفاده از خاک افغانستان برای طرح و تطبیق فعالیت‌های تروریستی در آسیای میانه، چین، هند، روسیه و حتا اروپا و امریکا است. به همین جهت، اکثریت این گروه‌ها با طالبان افغان روابط تنگاتنگ همکاری دوجانبه داشته‌اند. اما هیاهوی صلح میان طالبان و دولت افغانستان باعث شده است تا این گروه‌ها در مورد آینده روابطشان با طالبان مشوش گردیده و تعدادی از آن‌ها عملاً به داعش خراسان بپیوندند. در صورت موفقیت مذاکرات صلح میان دولت و طالبان، این روند بدون شک تشدید و تسریع شده و اکثریت این گروه‌ها با داعش خراسان ملحق خواهند شد.

### تداوم جنگ نیابتی و داعش خراسان:

این‌که افغانستان نقطه تقابل میان بعضی از قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده و تعدادی از این کشورها از گروه‌های تروریستی برای پیش‌برد اهداف‌شان در یک جنگ نیابتی استفاده راهبردی می‌کنند، امری است هویدا و آشکار. متأسفانه فضای استراتژیکی که علل و زمینه این جنگ نیابتی را فراهم ساخته است، تغییر نکرده و در آینده قابل پیش‌بینی هم‌چنان باقی خواهد ماند. پس، در صورت موفقیت پروسه صلح با طالبان، کشورهایایی که از این گروه برای پیش‌برد اهداف استراتژیکی‌شان استفاده می‌کنند، در صدد استخدام نایب دیگری برای این کار خواهند شد و داعش خراسان بهترین گزینه برای این کار خواهد بود. پس، تداوم جنگ‌های نیابتی در افغانستان زمینه کمک کشورهای خارجی را به داعش خراسان فراهم کرده و در رشد این گروه در آینده نقشی به سزا خواهد داشت.

### نتیجه‌گیری:

با استناد به دلایل فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حتا در صورت موفقیت پروسه صلح با طالبان، متأسفانه جنگ در افغانستان ختم نشده و به احتمال قوی داعش خراسان به شدت تقویت شده و به جنگ و ناامنی در افغانستان و منطقه ادامه خواهد داد. برعکس طالبان که متمرکز بر جغرافیای افغانستان‌اند، داعش خراسان آجندای منطقه‌ای و جهانی داشته، از ایدئولوژی خیلی افراطی‌تر پیروی کرده، خشونت‌های فرقه‌ای را دامن زده و از تاکتیک‌های تروریستی خیلی فجیع‌تر استفاده می‌کند. بنابراین، فصل جدید جنگ خطرناک‌تر و گسترده‌تر از فعلی خواهد بود که مبارزه موثر علیه آن مستلزم همکاری نزدیک، صادقانه و بلندمدت منطقه‌ای و جهانی است.



لیلا فروغ معدی

# ضرورت نظارت فعال از روند مذاکرات

اهدا کردیم و در تراژدی‌های کلان ملی مانند حادثه اخیر پروان دست به دست هم دادیم.

محصول حضور هژده ساله جامعه جهانی و تلاش‌های مردم افغانستان که بدون شک در نبود همکاری بین‌المللی تقریباً ناممکن بود، نسلی است که از هر لحاظ با نسل‌های قبل از خود متفاوت است. ارزش‌های جهان‌شمول دارد، با تکنولوژی و علوم معاصر آشنا است، فردیت خود و دیگران را به رسمیت می‌شناسد و برای تأثیرگذاری و موثریت با ابزار مدرن و آموزشی مجهز است، نسبت به سرنوشت خود حساس است و کنش و واکنش مخصوص به خود را دارد؛ نسلی که اعتراض‌های بی‌بدیل در تاریخ افغانستان را به نام خود کرده است. نسلی که امید آینده افغانستان است و می‌توان گفت که ماندگارترین و موثرترین تغییری که در هژده سال گذشته اتفاق افتاده، رشد و به ثمر رسیدن همین نسل است.

این نسل شاید برای طالبان، امریکایی‌ها و رهبران سنتی افغانستان هنوز جدی نباشد، اما شجاعت خوبی برای مواجهه با نیروهای عقب‌گرا و دگم‌اندیش مانند طالبان دارد. نسلی که می‌خواهد متفاوت از گذشته باشد و می‌خواهد درست زنده‌گی کند. نسلی که افغانستان و آینده و آبادی آن را با هیچ چیزی قابل معامله نمی‌داند. نسلی ماجراجو که فقط ارزش‌هایش برایش خط قرمز است. نسلی که فقط به سیر کردن شکم خود بسنده نمی‌کند و سهیم بودن در تعیین سرنوشت خود را فرض می‌داند. نسلی که از تجربیات تلخ گذشته درس عبرت گرفته و به هیچ وجه حاضر به بازگشت به گذشته نیست.

نسلی که در سایه قانون اساسی، پارلمان، نظام هرچند نیمه دموکراتیک که هرچند آرمانی نبوده، اما به هر حال وجود داشته، رشد کرده و به بلوغ فکری رسیده است. نسلی آگاه و واقف بر اوضاع جهان و منطقه، پرسش‌گر و حساس. این نسل هجوم شوروی و جنگ‌های ناشی از آن و هم‌چنین جنگ‌های داخلی و دوران سیاه طالبان

در نزدیک به دو دهه گذشته، شاهد حضور ده‌ها هزار سرباز از سراسر جهان در افغانستان بودیم که با شعار حمایت از دموکراسی و ارزش‌های حقوق بشری به این‌جا آمده بودند. حدود بیست سال پیش آن‌ها فردای بهتر را به شهروندان افغانستان نوید می‌دادند. مردم درآمده افغانستان که از جنگ و خون‌ریزی و حاکمیت سیاه طالبان خسته بودند، این شعارها را باور کردند و همراه و همگام با آن‌ها سعی کردند خود نیز در ساختن فردای بهتر برای خود و کشورشان سهیم بگیرند.

نمی‌توان منکر شد که حضور و حمایت جامعه جهانی در افغانستان در هژده سال گذشته، تأثیرات قابل ملاحظه‌ای داشته است. اگر نگاهی اجمالی به هژده سال گذشته بیندازیم، نمی‌توانیم تغییرات جدی در برخی عرصه‌ها از جمله زنده‌گی زنان را نادیده بگیریم. در این هژده سال در بعضی از عرصه‌ها راه طولانی را طی کرده‌ایم. حداقل در کلان‌شهرها، باورهایی که مانع توسعه اجتماعی و پیشرفت جامعه به خصوص پیشرفت زنان بوده، فرو ریختند و ارزش‌هایی چون تساوی حقوقی زن و مرد، مردم‌سالاری، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها در جامعه جا باز کرده و در بسیاری زمینه‌ها راه برای رشد و پیشرفت اجتماعی هموار شده است. هم‌چنان یگانه شرط ضروری برای خلق و حفظ ارزش‌های نوین یعنی مشارکت شهروندان در راستای استحکام پیوندهای اجتماعی و در نهایت شکل‌گیری نوعی اخلاق جدید، به مرحله کمال رسیده است.

اگر نگاهمان صرفاً سیاسی نباشد و فقط به شکاف‌های قومی و سمتی که سیاست‌مداران به آن دامن می‌زنند نگاه و قضاوت نکنیم، در بسیاری عرصه‌ها شاهد هم‌گرایی و هم‌صدایی میان مردم افغانستان بوده‌ایم. همه باهم در مرگ فرخنده و تبسم گریستم و دادخواهی کردیم، برای قربانیان ننگرهار، کندز، غزنی و کابل در کنار هم سوگواری کردیم، همه باهم برای نیروهای امنیتی خون

کشورهایی مانند پاکستان، عربستان سعودی و برخی کشورهای دیگر در همان سال‌ها این امارت سیاه را که نیمی از جمعیت افغانستان را از ابتدایی‌ترین حق‌شان محروم کرده بود، به رسمیت شناختند و آن را حمایت مالی می‌کردند. همین کشورها در منطقه‌ی ما دوستان استراتژیک امریکا هستند.

در هژده سال گذشته بارها دولت‌مردان افغانستان داد می‌زدند که لانه‌های تروریستان در پاکستان است، اما کوچک‌ترین فشار سیاسی بر پاکستان به دلیل حمایت از گروه‌های تروریستی آورده نشد. من شخصاً در یکی از جلسات با آقای خلیل‌زاد در سفارت امریکا شاهد بودم که وقتی خانم‌های حاضر در جلسه از او در مورد ارزش‌هایی چون دموکراسی و حقوق بشر پرسیدند، او با ناراحتی گفت خودتان از ارزش‌های‌تان دفاع کنید. آری، حرف خلیل‌زاد درست است. ما باید خودمان از ارزش‌های‌مان دفاع کنیم. می‌دانم این کار بسیار دشوار است، اما من به نسل جدید افغانستان ایمان دارم. این نسل به هر نحوی که باشد و به هر قیمتی که باشد، از ارزش‌های خود دفاع خواهد کرد؛ همان‌گونه که در تصویب قانون منع خشونت علیه زنان عمل کرد؛ همان‌گونه که در این سال‌ها با وجود ترس و تهدیدهای فراوان ده‌ها رسانه را فعال نگهداشت؛ همان‌گونه که زنان با وجود فشارهای متواتر کلاس‌های درس، استیژ موسیقی و دفاتر کار را ترک نکردند. آری، این نسل از ارزش‌های خود دفاع خواهد کرد.

حالا که مذاکرات بین‌الافغانی رسماً شروع شده است، نسل جدید نیاز دارد که با احترام گذاشتن به تفاوت دیدگاه‌های سیاسی که دارند، در صف واحدی برای دفاع از ارزش‌های خود بایستد و جریان گفت‌وگو و مذاکرات را لحظه به لحظه و قدم به قدم نظارت کرده و گزارش بخواهد و هیات مذاکره‌کننده دولت را زیر ذره‌بین قرار دهد، تا آن‌ها احساس نکنند که می‌توانند هر معامله‌ای را انجام دهند. اعضای هیات مذاکره‌کننده باید بدانند که مأموریت آن‌ها نماینده‌گی تمام و کمال از نسلی است که به حقوق بشر، آزادی بیان، تساوی حقوق زن و مرد و حقوق شهروندی باور دارد. آن‌ها باید بدانند که سربازان پولیس و ارتش که در مقابله با تروریستان جان خود را فدا کرده‌اند و هم‌چنان ایستاده‌گی می‌کنند، جوانان هستند؛ جوانانی که اگر به امارت اسلامی و عقب‌گرد تن می‌دادند، هرگز در صفوف اردو و پولیس نمی‌ایستادند.

# تاب‌آوری شهری

## رویکردی پایدار در مواجهه با بلایای طبیعی

سیدمحمد علوی، کارشناس شهرسازی

**تاب‌آوری: از منظر علمی تاب‌آوری شهری به مجموعه‌ی اقداماتی گفته می‌شود که سیستم جامعه، فرد، خانواده و... بتواند چالش‌ها و تنش‌های حاصل بر سیستم را مهار و یا مدیریت کنند و ضمن جلوگیری از ضرر و زیان حداکثری، آن را به حداقل ممکن کاهش دهند.**

یکی از مهم‌ترین موضوعات خروجی‌های اضطراری است که نباید قطع شود. در ساختمان‌ها می‌بینیم که پله فرار دارند اما درب‌های آنان قفل است و یا در مسیر آن‌ها لوازم قرار داده‌اند و راه بسته است.

**طراحی چند منظوره فضا و قابلیت مرمت‌پذیری سریع برای ایجاد تاب‌آوری:**

همیشه باید در طراحی‌های شهری به طراحی چند منظوره فضا در راستای تاب‌آوری توجه کنیم. امروزه دیگر ساخت هر بنا، مختص به یک کاربری خاص نیست و طراحی‌ها باید چندمنظوره انجام شود یعنی اگر استادیومی طراحی شود، یک کاربرد آن همان استادیوم است و کاربرد دیگر آن باید به گونه‌ای باشد که در شرایط بحران به عنوان اسکان اضطراری قابل استفاده باشد.

**تاب‌آوری شهرهای افغانستان**

اکثر شهرهای افغانستان که دارای اقلیمی کوهستانی با آب‌وهوایی بارانی و وجود کوه‌های بی‌شمار، است در فصول بارنده‌گی باعث جاری شدن روان آب‌ها از ارتفاعات شده که موجب بروز سیل در بیش‌تر نقاط کشور می‌شود.

روش‌های بسیار ساده‌ای برای کاهش خسارات ناشی از سیل وجود دارد، مثل ایجاد آب بندها در مسیر سیل، احیای پوشش گیاهی، آزادسازی بستر رودخانه‌ها، جلوگیری از فرسایش خاک و... که می‌توانند خسارت‌ها را به حداقل برسانند. اما ضعف مدیریتی و ناکارآمدی مسوولان مربوطه در کشور ما باعث بروز حوادث تلخ مانند حادثه سیل (پروان) می‌شود که باعث از بین رفتن تعداد زیادی از هم‌وطنان عزیزمان می‌شود و نیز خسارات مالی سنگینی به جا می‌گذارد که دولت افغانستان به هیچ عنوان قادر به جبران آن نخواهد بود.

گفته می‌شود که سیستم جامعه، فرد، خانواده و... بتواند چالش‌ها و تنش‌های حاصل بر سیستم را مهار و یا مدیریت کنند و ضمن جلوگیری از ضرر و زیان حداکثری، آن را به حداقل ممکن کاهش دهند. در این فرایند ترمیم، بازسازی و باززنده‌سازی آن‌چه که تحت تاثیر قرار گرفته الزامی است.

**رابطه تاب‌آوری با توسعه پایدار**

تاب‌آوری در تضاد با توسعه پایدار نیست بلکه یک مشارکت منطقی میان آن‌ها وجود دارد. به گفته برخی از متخصصان از جمله (بومن). توسعه‌ی پایدار به آینده بر اساس تجربیات منابع موجود و گذشته می‌نگرد در حالی که تاب‌آوری، آینده‌ای پیش‌بینی نشده را در نظر می‌گیرد و خودش را برای جهانی در حال تحول مداوم و حوادث احتمالی، آماده می‌کند.

**چند عامل برای تاب‌آوری بیش‌تر شهرها**

شناسایی مجاری و منافذی که می‌تواند شهر را آسیب‌پذیر کند و از تاب‌آوری بیندازد: ما باید به سمتی حرکت کنیم تا مجاری و منافذی که می‌تواند شهر را در برابر بلایای طبیعی آسیب‌پذیر می‌کند و تاب‌آوری آن را کاهش می‌کند شناسایی کنیم.

طراحی منعطف شبکه‌های زیرساخت و شریان حیاتی از عوامل تاب‌آوری زیرساخت‌ها باید طوری طراحی شوند تا در صورت آسیب دیدن بخشی از آن‌ها، بخش‌های دیگر از حرکت باز نمانند و انعطاف لازم را در بلایای طبیعی داشته باشند.

**اهمیت طراحی ورودی و خروجی‌های اضطراری برای مواقع بحران:**

در زمان حادثه برای این‌که تلفات به حداقل برسد،

**بلایای شهری**

در سه دهه گذشته مشاهده شده است که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته خصوصاً آن‌هایی که در آسیا قرار دارند، توسعه آن‌ها تحت تاثیر میزان روبه‌رشد بلایا، با مشکل مواجه شده است. علاوه بر این، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته تحت تاثیر بلایای خاص خود به طور فزاینده‌ای در معرض آسیب‌پذیری قرار گرفتند. تنوع گونه‌های بلایا، محل بروز و تاثیرات آن، نشان از ضرورت توجه بیش‌تری به ابعاد مختلف بلایا، آسیب‌پذیری و در معرض قرارگیری آن دارد و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاهش خطرپذیری، بسیار اهمیت دارد.

به طور کلی بلایای شهری به صورت زیر دسته‌بندی می‌شود.

الف : بلایای طبیعی از شهری شدن: این گونه بلایا در ضمن دوره‌ای که نواحی مسکونی و زیرساخت‌های شهری توسعه و گسترش می‌یابند، رخ می‌دهند.

ب : بلایای طبیعی شهری‌نما: بلایایی هستند که در آن‌ها خسارات انسانی کم ست، اما زیرساخت‌های شهری به ویژه سیستم‌های حیاتی (آب، برق، گاز) خسارت می‌بینند.

ج: بلایای طبیعی شهری: بلاهایی هستند که خسارات آن‌ها به طور گسترده به دلیل تمرکز بیش از حد جمعیت و هم‌چنین تمرکز بیش از حد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زیاد است. در افغانستان به دلیل تمرکز جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بیش‌تر بلایای طبیعی شهری رخ می‌دهد.

این نوع بلایا، در مرکز یک ناحیه شهری رخ می‌دهد در حالی که بلایای طبیعی ناشی از شهری شدن خارج از یک ناحیه شهری رخ می‌دهند.

**تاب‌آوری**

از منظر علمی تاب‌آوری شهری به مجموعه‌ی اقداماتی

خطرات طبیعی، شرایط زنده‌گی ساکنان شهرهای جهان را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. فزونی بلاها و خسارات مالی و جانی آن‌ها، پژوهش‌هایی با موضوع تاب‌آوری را در مطالعه شهری الزام‌آور ساخته و در پی آن، مفهوم تاب‌آوری به سرعت در ادبیات پایداری شهری جای گشوده است. تاب‌آوری، این روزها به دغدغه‌ی مهمی برای شهرها بدل شده است، به طوری که توجه و پرداختن به آن خصوصاً در شهرهای بلاخیز مورد اهمیت است. با وجود اهمیت این موضوع اما مدیریت شهری در پرداختن به آن‌ها ضعیف بوده است و بعضاً در هنگام وقوع حوادث شهرها خسارات بیش‌تری را متحمل می‌شوند. در دورانی از شهرسازی به سر می‌بریم که کره زمین به طور فزاینده‌ای تحت تاثیر فعالیت‌های انسانی قرار گرفته است. با توسعه شهرنشینی، شهرها به مراکز توجه بدل شده‌اند و تقاضا برای منابع طبیعی و توجه به تاثیرات محیطی جهانی آن‌ها افزایش یافته است. فعالیت‌های غیر علمی و بدون پشتوانه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری موجب افزایش فشار بر طبیعت و تضعیف تاب‌آوری آن شده است که اغلب پی‌آمدهای مخربی برای شهرها و ساکنان آن در پی داشته است. با توجه به مواردی مثل طوفان‌ها و سیلاب‌های اخیر در نقاط مختلف جهان، گرم‌تر شدن کره زمین، آلوده‌گی هوا و هم‌چنین افزایش هزینه‌های انرژی، کاهش ذخیره آب و مواد غذایی نیاز فوری به فعالیت و اقدام اثرگذار ضرورت یافته است. به همین دلیل بسیاری از شهرها اقداماتی در زمینه احیای طبیعت کرده‌اند و از فعالیت‌های پایدار حمایت می‌کنند. در شهرهای افغانستان به خصوص کابل به عنوان پایتخت که با جمعیتی بیش‌تر از گنجایش شهر روبه‌رو است که خود باعث آلوده‌گی، کاهش ذخایر آب‌ها، و... می‌شود، می‌تواند با طراحی و برنامه‌ریزی دقیق و صحیح، تاب‌آوری شهر کابل را بالا ببرند. پس نتیجه می‌توان گرفت به دلیل عواقب جبران‌ناپذیر حوادث طبیعی و آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، تاب‌آوری و پایداری می‌تواند اهداف اصلی شهرهای آینده باشد.

**واژگان‌های کلیدی: مخاطرات طبیعی. تاب‌آوری شهری. پایداری شهری. بلایای شهری**

# بادغیس

## مشارکت سیاسی معنادار در حکومت ندارد

ولایت بادغیس از دیر زمان بدین سو نقش تعیین کننده و سازنده در تمام تحركات اجتماعی-سیاسی، انقلابات مردمی، جنبش‌های آزادی‌بخش و پروسه‌های بزرگ ملی داشته است و حماسه‌آفرینی‌های مردم این دیار در بسیاری از مقاطع تاریخی به اثبات رسیده است. چنان‌که در تغییر حکومت، برقراری نظام نوین، تدویر لویه‌جرگه‌ی قانون اساسی، برگزاری انتخابات پی‌درپی ریاست جمهوری، دفاع از تمامیت ارضی، حفظ استقلال، تحکیم قانون، حراست و حمایت از جمهوریت می‌توان نقش‌آفرینی‌های مردم ولایت بادغیس را به صورت واقع‌گرایانه به خوبی درک و مشاهده کرد.

مردم محروم ولایت بادغیس، با قبول قربانی‌های زیاد در دوره‌های مختلف انتخاباتی، حمایت قاطع‌شان را از پروسه‌ی انتخابات اعلام کردند و در اوج ناامنی و فقر با مشارکت‌شان در انتخابات، رأی گسترده‌ای را به امید تغییر فرآیندها و هنجارهای درونی و بیرونی وابسته به نظام در صندوق‌های رأی واریز کردند، اما از تحولات متوقع در برابر آرای ایثار شده، نه این که خبری نگردید، بل به تمام معنا، این ولایت پس از انتخابات به دست فراموشی سپرده شد و می‌توان این به فراموشی سپرده‌شدن را در دوره‌ی طویل‌المدت حکومت آقای کرزی، تداوم آن در تشکیل حکومت وحدت ملی و حکومت کنونی به وضاحت مشاهده کرد.

گرچه ولایت بادغیس با داشتن میزان بالای رأی‌دهنده‌گان در تشکیل و تغییر حکومت و به قدرت رسیدن افراد نقش تعیین‌کننده دارد اما در تشکیلات و ساختار دولت از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و مشارکت قابل توجهی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری ندارد و در تقسیم و توازن قدرت نیز نقش مهمی ایفا نمی‌کند.

ولایت بادغیس از نقطه نظر اقتدار و سهم بودن در قدرت کلان کشور امروزه جایگاه اساسی ندارد و از بسیاری ولایات دیگر کشور که در ساختار و تشکیلات دولت، افراد و کارگزاران عالی دارد، عقب افتاده است،

ولایت بادغیس با داشتن میزان بالای رأی‌دهنده‌گان در تشکیل و تغییر حکومت و به قدرت رسیدن افراد نقش تعیین‌کننده دارد اما در تشکیلات و ساختار دولت از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و مشارکت قابل توجهی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری ندارد و در تقسیم و توازن قدرت نیز نقش مهمی ایفا نمی‌کند.

والی، قوماندان امنیه و رییس امنیت ملی) و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به گونه‌های مختلف مطرح، دادخواهی و آرایه کرده‌اند اما با نگاهی عمیق پس از سال‌ها تجربه، احساس و درک می‌شود که هنوز هم محرومیت و انزوای اجباری این ولایت بی‌داد می‌کند و به شکل عمده در تمام سطوح مشکلات گسترده وجود دارد و چالش‌های گذشته بیش‌تر از پیش تقویت شده است. هم‌چنان وضعیت حاکم در فضای سیاسی حکایت از جریان‌های روشن بی‌مهری، بی‌توجهی و کم‌علاقه‌گی حکومت مرکزی نسبت به این ولایت و مردم این ولایت دارد که بیش‌تر از هر زمان دیگری در شرایط کنونی روی اذهان عمومی تاثیر مستقیم گذاشته و عموم مردم را وادار به اعتراضات شدید مدنی کرده است که در نتیجه موجب تعطیل اداره‌ی حکومت محلی بادغیس، بستن دروازه‌ی مقام ولایت، رخصت والی جدیدالتقرر، اخراج معاون مقام ولایت و برپایی خیمه‌های تحسن در نقاط مختلف شهر قلعه نو از سوی نماینده‌گان مردم، جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی روحانیت، زنان و فعالان حقوق بشری گردیده است. این در حالی ست که به نظر می‌رسد رهبران سیاسی بدون توجه به خواسته‌های مردم بادغیس و بی‌درک عواقب ناگوار آن، وابسته‌گی‌های سیاسی‌شان را در قبال ولایات دیگر به وسیله اعطای سهم مشخص در کابینه اعلام کرده و ذهنیت‌های اجتماعی اثرگذار بر مدیریت کلان کشور و نقش تعیین‌کننده و اساسی این ولایت در تصمیم بزرگ سیاسی را بیش‌تر از هر زمان دیگر نادیده گرفته‌اند که این خود نیز بر حجم سایر نگرانی‌های اجتماعی در حد بسیار بالایی افزوده است تا جایی که همین اکنون ولایت بادغیس در اثر فقدان حکومت کارای محلی و نبود برنامه‌ی قابل‌تعمیل امنیتی - نظامی در خصوص کاهش ناامنی، خشونت و جنگ از سوی سکان‌داران نظامی اداره‌ی محلی در لبه‌ی پرتگاه است و از جمله ولایات ناامن کشور به حساب می‌آید و جز مرکز شهر، قلعه نو، مابقی حدود قلمرو

یا دست‌کم به اندازه‌ی سایر ولایات درجه‌سوم دیگر در رده‌های بالا افراد مقتدر، دیپلمات، صاحب منصب و بلند رتبه ندارد، در حدی که همین اکنون در تمام تشکیلات و ساختار نظام حتا یک وزیر، معین وزارت، سفیر، والی، معاون والی، رییس عمومی و... متعلق به این ولایت یافت نمی‌شود و در حوزه‌ی تشکیلات نظامی نیز افراد وابسته به این ولایت در رده‌های بالایی چون قوماندان امنیه، آمر امنیت و رییس امنیت ملی وجود ندارد و با کمی ژرف‌نگری درخواهید یافت که بادغیس تنها ولایتی هست که در کل کشور حتا یک جنرال نظامی هم در تمام سال‌های پس از شکل‌گیری نظام جدید نداشته و همین اکنون نیز ندارد؛ در حالی که دیده می‌شود بسیاری از ولسوالی‌های کوچک سایر ولایات که در مقام مقایسه با ولایت بادغیس از حیث نفوس و نیروی متخصص انسانی کم می‌آورند، ده‌ها جنرال جوان چندستاره در سمت‌های بلند نظامی کشور در حد وزیر و رییس عمومی امنیت ملی دارند که این خود خلاف اصل مشارکت بدون تبعیض اتباع کشور در برخورداری از موقوف‌های دولتی و انکشاف متوازن مندرج در قانون اساسی کشور است و در اثر همین فقدان مشارکت سیاسی کادرهای ورزیده‌ی اداری، سیاسی، نظامی، اقتصادی و طبیی این ولایت در اداره‌ی حکومت مرکزی و محلی و عدم توجه سران حکومت مرکزی به خواسته‌ها، نیازها و اولویت‌های حیاتی مردم، ولایت بادغیس از اوایل شکل‌گیری نظام نوین مبتنی بر دموکراسی تا تشکیل حکومت کنونی حامل یک سری از چالش‌ها و مشکلات به خصوص خود می‌باشد و دوره‌های پی‌درپی می‌گذرد که مردم از اساسی‌ترین نیازها و امکانات رفاهی بی‌بهره‌اند، گرچه در تمام این سال‌های محرومیت، انزوا و حرمان، شهروندان در این ولایت، طرح دست‌یابی به امکانات آسایشی (آب، امنیت و سرک)، رفاه اقتصادی (اشتغال‌زایی، درآمدزایی و کار)، مؤلفه‌های عدالت‌خواهی، سهم بودن در اقتدار ملی (داشتن وزیر، معین وزیر، سفیر، دیپلمات، والی، معاون

«ما و نوگرایی»؛

## کلکسیون ۱۵۰ ساله مطبوعات کشور به نمایش گذاشته شد

کشور مقاله‌های‌شان را در مورد اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی شاه امان‌الله خان نوشته‌اند و این مقاله‌ها از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ در یک کتاب به چاپ رسیده است.

در همین حال احمدضیا رفعت، استاد دانشگاه کابل، با اشاره به وضعیت فرهنگی دوره شاه امان‌الله خان گفت که تاهنوز به یک نکته ظریف دقت نشده و آن این است که واکنش‌های روحانیون در برابر برنامه‌های تجددخواهی شاه امان‌الله خان سیاسی بوده و یا هم مذهبی. او گفت که حرکت‌های سیاسی شاه امان‌الله خان و اقدامات تحریک‌آمیز که در برابر انگلیسی‌ها انجام داده بود، به ضرر خودش تمام شد و این مسأله باعث شد تا انگلیسی‌ها از ابزارهای مختلف برای تضعیف امان‌الله خان کار گیرند و روحانیون را در برابر وی تحریک کنند. رفعت تأکید کرد که روحانیون آن دوره، در واقع مخالف روند نوآوری بودند.

از سوی دیگر این استاد دانشگاه با اشاره به وضعیت روزنامه‌نگاری در افغانستان خاطرنشان کرد که هم اکنون روزنامه‌های دولتی غیرحرفه‌ای است و این مسوولیت وزارت اطلاعات و فرهنگ است تا وضعیت این روزنامه‌ها را تغییر داده و تقویت کند.

در عین حال، عزیزالله ارال، یک تن از فرهنگیان کشور، گفت محتوایی که در روزنامه‌های صدسال پیش بود و در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسید، هم اکنون در روزنامه‌های دولتی و خصوصی دیده نمی‌شود. او خاطرنشان کرد که اگر امروز میراث دوره امانی به عنوان یک مکتب به نسل نو رسانیده نشود، احتمال دارد که با همین ندامت که اکنون مردم ما دارد، آن‌ها هم داشته باشند.

با این همه، وزارت اطلاعات و فرهنگ در یک‌صدوپنجاهمین سالگرد مطبوعات از کارکرد رسانه‌های چاپی، با اعطای «لوح آزادی» تقدیر کرد. گفتنی است که در حال حاضر ده‌ها نشریه چاپی دولتی و خصوصی در کشور فعالیت دارند.



**محمدطاهر زهیر، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ، در این نمایشگاه گفت علی‌رغم این‌که در افغانستان فضای خشونت و جنگ حاکم بوده/ است، رسانه‌های چاپی توانسته‌اند گام‌به‌گام با مردم افغانستان به پیش حرکت کنند.**

«ما و نوگرایی» اشاره کرد و گفت که وزارت اطلاعات و فرهنگ به مناسبت یک‌صدومین سالگرد استقلال افغانستان یک فراخوان مقاله‌نویسی را زیر عنوان ما و نوگرایی داده بود. او گفت که شماری از نویسندگان



عبدالاحمد حسینی

وزارت اطلاعات و فرهنگ نمایشگاه سه‌روزه از نشریه‌های چاپی افغانستان را دیروز شنبه، پانزدهم سنبله، افتتاح کرد. در این نمایشگاه جریده‌ها، ماهنامه‌ها، روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها از دوره شاه امان‌الله به بعد، به منظور آشنایی نسل نو با کارکردهای فرهنگی دوره «شاه تجددگرا»، به نمایش گذاشته شده است. در کنار این، وزارت اطلاعات و فرهنگ از مجموع مقالات کارکردهای فرهنگی شاه امان‌الله خان نیز رونمایی کرد. در این مجموعه مقالات که در یک کتاب تحت عنوان «ما و نوگرایی» چاپ شده، کوشیده شده است تا اندیشه‌های فرهنگی شاه امان‌الله خان بازتاب داده شود. وزارت اطلاعات و فرهنگ دیروز نخستین نمایشگاه مطبوعات افغانستان را در کابل افتتاح کرد. در این نمایشگاه ضمن این‌که از یک‌صدومین سالگرد روزنامه «تفاهق اسلام» چاپ هرات تجلیل شد، نشریه‌های چاپی افغانستان شامل جریده‌ها، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، گاهنامه‌ها و ماهنامه‌ها از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ برای سه روز به نمایش گذاشته شده است. این نمایشگاه در باغ بابر برگزار شده و قرار است تا دو روز دیگر به روی شهروندان کشور باز باشد. مسوولان هدف از برگزاری این نمایشگاه را آشنایی جوانان با اندیشه‌ها و تفکرات صد سال گذشته می‌دانند. به باور برگزارکننده‌گان این نمایشگاه، نسل جوان کشور به دلیل ادامه خشونت‌ها و جنگ‌ها، آشنایی چندانی با اندیشه‌های نسل قدیم ندارند، از این رو برگزاری چنین نمایشگاه‌ها می‌تواند زمینه آشنایی و تحقیق را برای نسل نو و به ویژه نویسندگان کشور مهیا کند.



# تاریخچه انتخابات در ایالت آلاباما امریکا

ایالت آلاباما به مرکزیت شهر مونتگومری در جنوب شرقی امریکا قرار دارد که به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۸۱۹ به عنوان بیست و دومین ایالت به ایالات متحده امریکا پیوست. این ایالت در طول جنگ داخلی امریکا عضو کنفدراسیون کشورهای امریکا (Confederate States of America) بود که از ۱۱ ایالت شورشی تشکیل شد. طبق آخرین سرشماری جمعیت این ایالت ۴۹۰۳۰۱۸۵ تن و ترکیب جمعیتی آن از ۶۵.۳ درصد سفیدپوست، ۲۶.۸ درصد سیاهپوست، ۴.۶ درصد اسپانیولی‌زبان یا لاتین‌تبار، ۱.۵ درصد (Asian) آسیای شرقی، ۰.۷ درصد سرخپوست و بومیان آلاسکا، ۰.۱ درصد بومیان هاوایی و دیگر جزایر اقیانوس آرام و ۱.۸ درصد نژادهای دیگر تشکیل شده است. از سال ۱۸۱۹ که آلاباما به عنوان یک ایالت به ایالات متحده امریکا پیوست تاکنون (اگست ۲۰۲۰) ۵۰ دوره انتخابات ریاست جمهوری در کشور امریکا برگزار شده که آلاباما به غیر از یک دوره که به علت وقوع جنگ داخلی امریکا (۱۸۶۴ میلادی) در این انتخابات شرکت نکرد، در مابقی ۴۹ دوره آن حضور داشته که اولین دوره آن به سال ۱۸۲۰ باز می‌گردد. از ۴۹ دوره انتخابات برگزار شده، ۳۱ دوره دموکرات‌ها، ۱۴ دوره جمهوریخواهان، دو دوره حزب دموکرات جمهوریخواه (Democratic-Republican Party)، یک دوره حزب مستقل امریکا (American Independent Party) و یک دوره حزب حقوق دموکراتیک ایالات (States' Rights Democratic) برنده شده‌اند.

برای بررسی این انتخابات را به سه بخش تقسیم می‌کنیم. بخش اول از سال ۱۸۲۰ الی ۱۸۶۰ میلادی است که آخرین دوره این انتخابات قبل از جنگ داخلی برگزار شد. در این بازه زمانی ۱۱ دوره انتخابات برگزار شد که ۹ دوره دموکرات‌ها و دو دوره حزب دموکرات جمهوریخواه برنده این انتخابات شدند. بخش دوم بعد از جنگ داخلی از سال ۱۸۶۸ الی ۱۹۶۰ می‌باشد که در این دوران ۲۴ دوره این انتخابات برگزار شد که ۲۱ دوره دموکرات‌ها، دو دوره جمهوریخواهان و یک دوره حزب حقوق دموکراتیک ایالات (States' Rights Democratic) برنده این انتخابات شدند. در واقع حزب دموکرات در مجموع دو بخش ۳۲ دوره و جمهوریخواه دو دوره برنده این انتخابات شدند و این دو بخش را می‌توان بخش دموکرات‌ها نامید. اما در بخش سوم یعنی از سال ۱۹۶۴ الی ۲۰۱۶ میلادی ورق برگشت و از ۱۴ دوره این انتخابات، ۱۲ دوره جمهوریخواهان، یک دوره دموکرات‌ها و یک دوره حزب مستقل امریکا (American Independent Party) برنده شدند و آخرین برد دموکرات‌ها به سال ۱۹۷۶ باز می‌گردد. از سال ۱۹۸۰ تاکنون جمهوریخواهان برنده هر ۱۰ دوره این انتخابات شده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، در طول تاریخ این انتخابات دموکرات‌ها برتر هستند و تا قبل از سال ۱۹۶۴ جمهوریخواهان فقط دو دوره برنده این انتخابات بوده‌اند، اما بعد از آن از ۱۴ دوره این انتخابات، ۱۲ دوره جمهوریخواهان برنده شده‌اند که نشان از تغییر گرایش مردم آلاباما در انتخابات ریاست جمهوری به سمت جمهوریخواهان دارد و می‌توان قانون حقوق مدنی برای احقاق حقوق سیاهپوستان مصوب ۱۹۶۸ را یکی از دلایل این تغییر گرایش دانست.

در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ از حزب دموکرات هیلاری کلینتون با ۷۷.۸٪ آرا موفق به شکست برنی سندرز با ۱۹.۲٪ درصد آرا شد. از حزب جمهوریخواه نیز دونالد ترامپ با ۴۲.۴٪ درصد آرا موفق به شکست تد کروز با ۲۱.۱٪ درصد آرا شد. در انتخابات نهایی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در حوزه انتخابیه آلاباما، دونالد ترامپ با ۶۲.۱٪ درصد آرا موفق به شکست هیلاری کلینتون با ۳۴.۴٪ درصد آرا شد. رای اکثریت این ایالت را برنده شد. در آمار انتخابات مقدماتی حزب دموکرات، جو بایدن با ۶۳.۳٪ درصد آرا موفق به شکست برنی سندرز با ۱۶.۵٪ درصد آرا شد که مقایسه این آمار با آمار انتخابات مقدماتی دوره گذشته حزب دموکرات نشان‌دهنده این است که رای‌دهندگان دموکرات در آلاباما به جناح راست این حزب گرایش دارند و یکی از دلایل آن وجود تعداد زیادی سیاهپوست در میان رای‌دهندگان دموکرات است. به علت حمایت باراک اوباما به عنوان یک سیاهپوست از هیلاری کلینتون و جو بایدن، رای‌دهندگان سیاهپوست این ایالت نیز از این دو کاندیدا در این دو انتخابات حمایت کرده‌اند. از سال ۱۸۱۹ الی اگست ۲۰۲۰ تعداد ۴۵ سناتور از ایالت آلاباما راهی مجلس سنای امریکا شدند که از این تعداد ۳۲ تن از حزب دموکرات، شش تن از حزب

جمهوریخواه که یک تن از این سناتورها از حزب دموکرات به جمهوریخواهان پیوست، چهار تن از جکسونیان (Jacksonian) که یک تن از آنها بعداً تغییر حزب داد به آنتی جکسون (Anti-Jacksonian Party OR National Republican Party) پیوست، یک تن از حزب دموکرات جمهوریخواه، یک تن عضویت در سه حزب: دموکرات، جکسونیان و دموکرات جمهوریخواه و یک تن با سابقه عضویت در دو حزب جکسونیان و دموکرات جمهوریخواه بودند. همان‌گونه که آمار نشان می‌دهد، تفاوت بسیار زیاد و نشان از نفوذ حزب دموکرات در انتخابات سنا در این ایالت دارد، به طوری که از سال ۱۸۱۹ الی ۱۹۸۱ فقط دو سناتور جمهوریخواه بوده‌اند. در طول تاریخ این انتخابات دموکرات‌ها دست برتر را دارند و از دو سناتور حال حاضر این ایالت نیز Gordon Douglas Jones از حزب دموکرات و دیگری Richard C. Shelby از حزب جمهوریخواه می‌باشد. وی همان سناتوری است که بالاتر ذکر کردیم از حزب دموکرات به جمهوریخواه پیوست. Richard C. Shelby از سال ۱۹۸۷ با حزب دموکرات وارد سنا شد و در سال ۱۹۹۴ هم‌زمان که سناتور بود، تغییر حزب داد و به جمهوریخواهان پیوست و تا هم اکنون صاحب یکی از دو چوکی ایالت آلاباما در مجلس سنا امریکا می‌باشد.

John J. Sparkman (۱۹۴۶-۱۹۷۹) از حزب دموکرات با ۳۳ سال حضور در مجلس سنا و Richard C. Shelby (۱۹۸۷-۲۰۲۰) از حزب جمهوریخواه با ۳۳ سال حضور در مجلس سنا، با سابقه‌ترین سناتورهای تاریخ ایالت آلاباما در مجلس سنا امریکا می‌باشند.

از سال ۱۸۱۹ تا کنون (اگست ۲۰۲۰) ۱۸۶ نماینده از ایالت آلاباما برای مجلس نمایندگان امریکا انتخاب شده‌اند، اما قبل از این که وارد این میثت بشویم، این نکته قابل ذکر است که هر چه قدر به عقب‌تر رجوع و به تاریخ ایالت‌های اولیه نگاه می‌کنیم، به علت شرایط حاکم در آن زمان تعداد کسانی که در طول عمر سیاسی خود چندبار حزب عوض کرده‌اند مانند: Gabriel Moore عضو احزاب دموکرات جمهوریخواه و جکسونیان و جمهوریخواه ملی (Democratic-Republican Party and Jacksonian and National Republican Party) این موضوع پیچیده‌گی‌ها، جذابیت‌ها و زیبایی‌های خاص خود را دارد که با ارایه کامل و تفکیک شده این آمار سعی بر این است که مخاطبان عزیز از خواندن این آمار لذت ببرند. از مجموع ۱۸۶ نماینده در طول تاریخ این ایالت، ۱۲۴ تن از حزب دموکرات، ۳۶ تن از جمهوریخواهان، شش تن از حزب ویگ (Whig Party)، سه تن از جکسونیان (Jacksonian)، دو تن از حزب عوام‌گرا (Populist Party)، یک تن از حزب دموکرات جمهوریخواه (Democratic-Republican Party)، یک تن از حزب جمهوریخواه لیبرال (Liberal Republican Party)، یک تن از «Know Nothing Party»، یک تن از Greenback Party، «چهار تن عضویت در دو حزب جکسونیان و دموکرات»، «دو تن جکسونیان-دموکرات و جکسونیان»، «یک تن جکسونیان و ویگ»، «یک تن حزب ویگ و جمهوریخواه»، «یک تن آنتی جکسون و ویگ»، «یک تن حزب اتحادیه (Unionist Party) و دموکرات و حزب امریکایی (American Party)» و در نهایت «یک تن عضو احزاب دموکرات جمهوریخواه و جکسونیان و جمهوریخواه ملی (Democratic-Republican Party and Jacksonian and National Republican Party)» بوده‌اند.

برای بررسی بهتر این انتخابات را به سه بخش تقسیم می‌کنیم: بخش اول مربوط به این انتخابات در قرن نوزدهم می‌شود (۱۸۱۹-۱۹۰۰ میلادی) که در این مدت جمعاً ۱۰۶ نماینده از آلاباما راهی مجلس نمایندگان امریکا شدند که ۶۲ تن دموکرات، ۱۸ تن جمهوریخواه و ۲۶ تن از احزاب دیگر که در آمار بالا ذکر شده است، بوده‌اند. با این آمار می‌توان این بخش را بخش دموکرات‌ها نامید. بخش دوم مربوط به این انتخابات در قرن بیستم (۱۹۰۰-۲۰۰۰ میلادی) می‌شود که در این بازه زمانی ۱۰۰ ساله مجموعاً ۷۰ نماینده انتخاب شده‌اند که ۵۹ تن از حزب دموکرات و ۱۱ تن از حزب جمهوریخواه بوده‌اند. در این بخش دموکرات‌ها بسیار موفق بوده‌اند، به طوری که در یک بازه زمانی ۶۵ ساله (۱۹۰۰-۱۹۶۵) همگی ۴۸ نماینده‌ی منتخب از این حزب بوده‌اند. اما با ورود به قرن بیست و یکم (۲۰۰۰ میلادی تاکنون) که بخش سوم تقسیم‌بندی ما می‌شود، آرا به نفع جمهوریخواهان تغییر کرده و از ۱۰ نماینده منتخب در این بخش هفت تن جمهوریخواه و سه تن دموکرات بوده‌اند. از هفت نماینده حال حاضر این ایالت

در مجلس نمایندگان، شش تن جمهوریخواه و یک تن دموکرات می‌باشند. ایالت آلاباما از سال ۱۸۱۹ میلادی که به ایالات متحده امریکا پیوست تاکنون ۵۴ فرمان‌دار منتخب داشته که بعضاً دو دوره یا بیش‌تر در این مقام بوده‌اند. از کل این ۵۴ فرمان‌دار، به تعداد ۴۰ تن دموکرات، شش تن جمهوریخواه، سه تن دموکرات-جمهوریخواه، دو تن جکسونیان، یک تن حزب ویگ Whig، یک تن مستقل (Independent) و یک تن عضویت در دو حزب، یعنی در دوران فرمان‌داری خود از حزب ویگ به جمهوریخواهان پیوست. همان‌طور که آمار نشان می‌دهد، آلاباما در طول تاریخ انتخابات فرمان‌داری یک ایالت کاملاً دموکرات بوده است، به طوری که تا قبل از انتخابات سال ۱۹۸۷ فقط دو فرمان‌دار جمهوریخواه انتخاب شده بودند. در سال‌های اخیر اما گرایش مردم به جمهوریخواهان بیشتر شده است، به طوری که از سال ۲۰۰۳ تاکنون هر سه فرمان‌دار منتخب از جمهوریخواهان بوده‌اند. با آمار ذکر شده متوجه شدیم که آلاباما در طول تاریخ انتخابات فرمان‌داری یک ایالت کاملاً دموکرات بوده، ولی در سال‌های اخیر جمهوریخواه شده است.

نکته جالب تاریخی این انتخابات این است که William Wyatt Bibb اولین فرمان‌دار ایالت آلاباما بود و زمانی که فوت کرد، برادرش Thomas Bibb که رییس سنای ایالتی بود، طبق قانون جانشین وی و دومین فرمان‌دار آلاباما شد و از کارهایی که در زمان وی انجام شد، یک سیستم گشت برای کمک به جلوگیری از فرار برده‌گان، تصویب طرح دانشگاه آلاباما و تصویب ایجاد یک بانک دولتی را می‌توان شمرد. از دیگر فرمان‌داران تاریخ این ایالت می‌توان به سی‌ودومین فرمان‌دار این ایالت William Dorsey Jelks اشاره کرد که قبل از انتخاب به این مقام، رییس

مجلس سنای ایالت بود و طبق قانون جانشین فرمان‌دار محسوب می‌شد و در برهه‌ای به خاطر مرضی William J. Samford که فرمان‌دار وقت ایالت بود، جانشین وی شد و بعد از مدتی به خاطر فوت Samford به عنوان سی‌ودومین فرمان‌دار ایالت انتخاب شد و با وجود کارهای عمرانی که انجام داد، اما در تصویب قانون اساسی ایالتی سال ۱۹۰۱ که موجب تضعیف حقوق سیاهپوستان در این ایالت شد، نقش موثری داشت. در کنار ۵۴ فرمان‌دار منتخب، تعداد پنج تن هم جانشین فرمان‌دار بوده‌اند که برای مدت زمانی به این مقام رسیده‌اند. از پنج فرمان‌دار موقت چهار تن دموکرات و یک تن Wager Swayne (۱۸۶۷-۱۸۶۸) به عنوان فرمان‌دار نظامی، جانشین Robert M. Patton شد.

**نتیجه:** با توجه به این که از ۴۹ دوره انتخابات برگزار شده در طول تاریخ انتخابات ریاست جمهوری در حوزه انتخابیه آلاباما، دموکرات‌ها با ۳۱ دوره برتر هستند، اما جمهوریخواهان برنده ۱۰ دوره اخیر این انتخابات هستند، از ۴۵ سناتور تاریخ این ایالت ۳۲ تن دموکرات و شش تن جمهوریخواه و از دو سناتور حال حاضر این ایالت یک تن دموکرات و یک تن جمهوریخواه می‌باشد، از ۱۸۶ نماینده تاریخ این ایالت ۱۲۴ تن دموکرات و ۳۶ تن جمهوریخواه و از هفت نماینده حال حاضر این ایالت شش تن جمهوریخواه هستند و از ۵۴ فرمان‌دار منتخب در تاریخ این ایالت ۴۴ تن دموکرات، شش تن جمهوریخواه و ۴ تن هم از احزاب دیگر ۳ فرمان‌دار اخیر جمهوریخواه بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی ایالت آلاباما در طول تاریخ یک ایالت کاملاً دموکرات بوده، ولی در حدود ۲۰ - ۳۰ سال اخیر کاملاً جمهوریخواه شده است.



جمهوری اسلامی افغانستان  
اداره مستقل ارگان‌های محلی  
معینیت شاروالی‌ها  
برنامه اشتغال‌زایی



د افغانستان اسلامي جمهوریت  
د سیمه ییزو ارګانونو خپلواکه اداره  
د شاروالیو معینیت  
کارمندونه پروګرام

Islamic Republic of Afghanistan  
Independent Directorate of Local Governance  
Deputy Ministry for Municipalities  
EZ-KAR Project  
Procurement Unit

## اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد

بدینوسیله به تاسی از فقره ماده چهل و سوم قانون تدارکات و ۲.۴ شرایط قرارداد طرز‌العمل بانک جهانی به اطلاع عموم داوطلبان رسانیده میشود که برنامه اشتغال‌زایی معینیت شاروالی‌ها ریاست مستقل ارگان‌های محلی در نظر دارد تا قرارداد پروژه استخدام مشاور همکار برای شهر پلخمری دارای کود نمبر RFB No: IDLG/EZ-KAR/ NCS-RFB-06 را به شرکت محترم تحقیقات علمی و انکشاف جامعه (organization for Research and Community Development) دارنده جواز نمبر ۲۳۰۴ به قیمت مجموعی مبلغ ۶۶,۴۹۹,۳۰۴ ( شصت و شش میلیون و چهار صد و نه هزار و سه صد و چهار) افغانی اعطاء نماید .

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی چهارده (۱۴) روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به برنامه اشتغال‌زایی معینیت شاروالی‌ها ریاست مستقل ارگان‌های محلی واقع چهارراهی انصاری سرک کوله پشته کوچه اول شهر نو کابل، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت  
د صنعت او سوداګري وزارت



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت صنعت و تجارت

ریاست عمومی مالی و اداری  
ریاست تدارکات  
آمریت تسهیل قراردادها و پلانگذاری

## «اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، وزارت صنعت و تجارت در نظر دارد، قرارداد (دو نوع تیل) ۸۱،۲۰۰ لیتر پترول و ۲۶،۶۰۰ لیتر دیزل) مورد ضرورت وسایط سال مالی ۱۳۹۹ را با شماره داوطلبی (MOIC/NCB/G/99/001) به شرکت محترم تجارتی اورژل نریوال لمیتد دارنده جواز نمبر (۳۱۵۹۱) و آدرس کوتاه سنگی، مرکز کابل به قیمت مجموعی مبلغ (۴,۶۴۹,۴۰۰) چهار میلیون و شش صد و چهار صد افغانی اعطا نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به امریت تدارکات وزارت صنعت و تجارت واقع دارالامان، جوار شورای ملی سابقه وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.»

**Publisher:**  
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

**Editor-in-Chief:**  
Mujib Mehrdad  
mujib\_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/HashteSubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af

**صبح**  
روایت دیروز آینه امروز نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com  
مدیرمسول: معجب مهرداد mujib\_mehrdad@yahoo.com  
معاون مدیرمسول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com  
خبرنگاران: خلیل اسیر، عبدالاحمد حسینی، علی شاه حقم، حبیب بهش محمدحسین نیک‌خواه  
ویراستار: علی نظری، س.نوبین

صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع  
مسول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت  
ویدیو: حسن آذرمهر  
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۷۹۹۹ Shaparsephr@gmail.com  
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان  
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۷  
**صبح**  
روایت دیروز آینه امروز نوید فردا

سال سیزدهم  
شماره ۳۴۲۸  
یکشنبه  
۱۶ سنبله ۱۳۹۹  
۶ سپتامبر ۲۰۲۰  
قیمت: ۲۰ افغانی

## روی میز مذاکرات چه کسانی برای منافع افغانستان چانه می‌زنند؟ «صلح، فرصتی برای بخشیدن است»

به دانشگاه آزاد اسلامی می‌رود که تحصیلاتش در مقطع ماستری را در رشته‌ی علوم سیاسی بخواند. سال ۱۳۹۲ از شاخه‌ی کابل دانشگاه آزاد اسلامی فارغ‌التحصیل می‌شود.

**چهارم:** آقای منصور با ۳۰ سال تجربه‌ی روزنامه‌نگاری و عضویت فعال در یک حزب سیاسی که اکنون به نمایندگی از این حزب می‌رود تا برای آمدن امنیت و صلح با طالبان مذاکره کند، باور دارد که مذاکره مثل آب ناپدید است که نمی‌شود وضعیت را از پیش در موردش ارزیابی کرد. به همین دلیل تعیین خط سرخ از سوی دو طرف را عاقلانه نمی‌داند.

آقای منصور با آن که خواست‌های رده‌بندی شده‌ی حزب جمعیت را به صورت کتبی با خود دارد، بخشش در مذاکره‌ی صلح را مهم می‌خواند و به باور او گفت‌وگوهای صلح زمانی موضوعیت دارد که سخن از بخشش باشد هر چند که موضوع «حق‌العبدی» را فراتر از آن می‌خواند که در صلاحیت بخشش هیأت مذاکره‌کننده باشد. و حق‌العبدی نیز زمانی موضوعیت دارد که شخص قربانی، مجرم را به صورت فردی بشناسد.

با وجود غیر قابل پیش‌بینی بودن فضای گفت‌وگوها، آن چه که برای آقای منصور، باید قابل بحث است و باید در اولویت باشد، امنیت، تمامیت ارضی، ثبات، اتحاد و انسجام بین تمام باشندگان کشور است و این صلحی که قرار است بیاید، باید افغانستان را از چندپارچه‌گی نجات بخشد. آقای منصور مذاکره را زمینه‌ی چانه‌زنی روی منافع گروهی می‌داند و اما باور دارد مواردی نیز وجود دارد که قابل بحث و گفت‌وگو نیستند. نظام سیاسی مورد پسند آقای منصور جمهوری است که در آن حقوق طبیعی افراد به رسمیت شناخته می‌شود، اراده‌ی مردم اولویت دارد، آزادی بیان و رسانه‌ها، آزادی عقیده، حق کار و فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود و این موضوعات در مذاکرات جای هیچ‌گونه بحث ندارد.

نمایندگی حزب جمعیت حق کار و فعالیت‌های سیاسی زنان را امر عادی می‌پندارد و باور دارد که زنان درست مانند مردان می‌توانند در هر سمتی گماشته شوند، اما رقصیدن زنان در ملای عام را قابل دفاع نمی‌داند و حتا نمی‌فهمد که از رقصیدن زن در میان انبوهی از مردان در میز مذاکرات چگونه دفاع کند.



فاطمه فرامرز

اشاره: هیأت مذاکره‌کننده صلح ۲۱ عضو دارد. آن‌ها مسوولیت سنگینی در زمینه جنگ و صلح افغانستان بر عهده گرفته‌اند. آشنایی مردم با آن‌ها بسیار مهم است. از این رو، روزنامه ۸صبح در نظر دارد تا هر یک از اعضای هیأت مذاکره‌کننده صلح را با تهیه شناسنامه آن‌ها به مردم معرفی کند. این کار به نوبت و در شماره‌های مختلف انجام خواهد شد.

**یکم:** عبدالحفیظ منصور نام آشنایی است که در سال‌های حکومت پساتالبان و با گسترش رسانه‌های همه‌گانی هر از گاهی سر زبان‌ها بوده است. متولد ولایت پنجشیر است. در سال‌های اول ورودش به دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه کابل، اتحاد جماهیر شوروی که تا آن زمان به گونه‌ی غیر مستقیم و با حمایت مهره‌های مشخص برای حکومت‌داری در افغانستان تصمیم می‌گرفت، به گونه‌ی مستقیم وارد خاک کشور می‌شود. با آغاز جهاد در برابر نیروهای شوروی، پیوستن به جهاد در قالب حزب جمعیت تنها گزینه‌ی است که آقای منصور می‌تواند انتخاب کند.

فرزند سال‌های آغاز جنگ است و از زمانی که به یاد دارد، ناامنی در کشور مایه‌ی نگرانی‌اش بوده است. جبر شرایط اجتماعی، وضعیت جنگی و ناامنی او را به عضویت در پر قدرت‌ترین حزب کشور سمت‌وسو داده است. مثل جغرافیایی که بدون تصمیم قبلی خودش، در آن به دنیا آمده است، پیوستن به یکی از احزاب جهادی، انتخابی نبوده است که با حساب و کتاب قبلی، سراغش رفته باشد.

**دوم:** معمولاً در رده‌ی رهبری حزب جمعیت حضور داشته است و از همان اول با آرمان‌های حزب جمعیت هم‌گام

**سوم:** با سقوط حاکمیت رژیم طالبان زمانی که به عنوان نماینده در لویه‌جرگه اضطراری حضور دارد و با شکل‌گیری حکومت موقت از سهمیه حزب جمعیت سرپرستی وزارت اطلاعات و فرهنگ را عهده‌دار می‌شود. ریاست رادیو-تلویزیون ملی مسوولیت رسمی دیگری است که بین سال‌های ۱۳۸۰-۸۱ عهده‌دار می‌شود. با اتمام دوره‌ی حکومت انتقالی، آقای منصور یکی از ۱۷ نامزدی است که برای کرسی ریاست جمهوری در انتخابات سال ۱۳۸۳ رقابت می‌کنند. در سال‌های بعدش به عنوان یک اپوزیسیون فعال منتقد حکومت‌داری آقای کرزی باقی می‌ماند و باور دارد که کرزی در تلاش سوق دادن نظام جمهوری به دیکتاتوری است. او در دور شانزدهم مجلس نماینده‌گان، نماینده‌ی مردم کابل است و در دور هفدهم هر چند که دوباره نامزد است اما رای کافی نمی‌آورد تا دوباره به مجلس راه یابد.

بوده است. در کنار رهبری حزب در بازی‌های سیاست و قدرت، هیچ‌گاهی از فعالیت در بخش علمی و فرهنگی غافل نبوده است و بودن در حزب جمعیت را فرصتی برای نشر ایده‌هایی که برای گسترش آگاهی داشته، شمرده است. به همین دلیل است که از همان اول مسوولیت سر دبیری «هفته‌نامه مجاهد»، نشریه انحصاری حزب جمعیت را به عهده می‌گیرد.

به عنوان فعال فرهنگی حزب جمعیت که حزب حاکم وقت است، بین سال‌های ۱۳۷۱-۷۵ ریاست آژانس باختر را به عهده دارد و هم‌زمان با ترک کابل از سوی دولت اسلامی افغانستان، سران جمعیت را به سوی شمال کشور همراهی می‌کند.

تمام سال‌های حاکمیت رژیم طالبان در داخل کشور می‌ماند و هم‌چنان ریاست کمیته‌ی فرهنگی جمعیت را به عهده دارد و بخش برنامه‌های فرهنگی حزب را مدیریت می‌کند.

## چهار دلیلی که رژیم بلاروس تغییر نخواهد کرد

منبع: مجله نشنل انترست

نویسنده: اندرانیک میگرین

مترجم: غلام‌غوث عمری، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

این نقش را بازی کنند اما در واقع نماینده یک اقلیت ناچیز هستند. آیا به دلیل حل‌وفصل بحران بلاروس و حتا ادغام عمیق‌تر روسیه و بلاروس می‌تواند تحریم‌ها علیه روسیه وجود داشته باشد؟

واقعیت این است که روسیه دیگر هیچ ترسی از تحریم‌های غرب ندارد. امروز در غرب اتفاق دیدگاه میان کشورها وجود ندارد. امریکا به دلیل تلاش‌های رییس جمهور دونالد ترامپ برای تغییر پارادایم سیاست خارجی امریکا در بحران عمیق داخلی و در عرصه سیاست خارجی قرار دارد. حتا تهدید به تحریم‌ها علیه نورد استریم ۲ (پایپ لاین انتقال گاز از روسیه به جرمنی) هیچ چانس‌ی برای اجرا نداشت.

همان طور که تظاهرات دسته‌جمعی اخیر در برلین نشان داده است، نه آنگلا مرکل و ترامپ، بلکه پوتین مورد تحسین بسیاری از آلمانی‌ها قرار گرفته است، و آن‌ها خواستار استقلال واقعی و حاکمیت آلمان از امریکا به جای وضعیت نیمه‌استعماری‌اش‌اند و این امر به صدراعظم مرکل این فرصت را خواهد داد حتا اگر بخواهد، تسلیم باج‌گیری و تهدید و اشنگتن شود. اجرای پروژه‌های اقتصادی روسیه و ادغام عمیق‌تر روسیه و بلاروس به یک دولت واحد چه غرب آن را دوست دارد یا نه امکان تحقق آن وجود دارد.

لینک مقاله:

<https://nationalinterest.org/feature/four-reasons-why-regime-change-won%E2%80%99t-occur-belarus-168226>

سیاسی مقتدری که در پارلمان نماینده‌گی کنند وجود ندارند و هم‌چنان جامعه‌ی مدنی مقتدر در بلاروس نیست. در روزها و هفته‌های آینده چه انتظاری برای بلاروس توقع می‌رود؟ جان هرست مدیر مرکز اوراسیا در شورای آتلانتیک و سفیر سابق امریکا در اوکراین به این باور است: «من فکر می‌کنم نفوذ روسیه برای حل بحران سیاسی در بلاروس تعیین‌کننده خواهد بود. ملاقات اخیر بین لوکاشنکو و پوتین در ماه سپتامبر به وضوح چگونه‌گی نقش مسکو را در مدیریت حوادث در مینسک رسم خواهد کرد، نه ایالات متحده و اروپا و نه حمایت امریکا از وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا برای «میان‌گیری انتقال» موثر خواهد.»

به احتمال زیاد در دیدار با پوتین، لوکاشنکو روی ایجاد طرح تصویب قانون اساسی جدید و انتخابات زودهنگام بحث کرده‌اند. این روند به احتمال زیاد حدود دو سال طول خواهد کشید. این امر تأثیر مستقیم بر آرام‌شدن معترضان بلاروس خواهد داشت. سپس لوکاشنکو موقفی را پیشنهاد خواهد کرد که به طور خاص برای او در دولت متحد آینده در نظر گرفته شود. در طول این دو سال روسیه یک رهبر شایسته را آماده خواهد کرد تا در نهایت بتواند اهداف لوکاشنکو را که ۲۶ سال پیش عهد شده بود، تحقق ببخشد. با توجه به چنین تحولاتی، روسیه احساس خواهد کرد که مجبور به اعزام نیرو به بلاروس شود. مانند ارمنستان هیچ جنبه ژئوپولیتیک برای اعتراضات خیابانی مخالفان در بلاروس وجود ندارد. بر خلاف گرجستان و اوکراین، بلاروسی‌ها بین روسیه و غرب انتخاب نخواهد کرد. البته گروه‌های کوچکی در غرب بلاروس هستند که می‌خواهند



در چنین وضعیت و موقفی قرار ندارد.

**سوم:** روسیه با اندکی تأخیر در دفاع از لوکاشنکو صحبت کرد. هم ولادیمیر پوتین رییس جمهور روسیه و هم سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه اذعان داشتند که انتخابات احتمالاً کامل و عاری از تخلفات نبوده، اما پیام آن‌ها روشن بود: پیروزی لوکاشنکو فراتر از شک و تردید بوده و به همین دلیل مسکو او را به حیث رییس جمهور مشروع بلاروس به رسمیت می‌شناسد.

**چهارم:** با وجود این که مخالفان در حال جمع‌آوری ده‌ها، حتا صدها هزار نفر به خیابان‌ها علیه لوکاشنکو هستند، اما نمی‌توانند به قدرت برسند، زیرا بر خلاف گرجستان، اوکراین و ارمنستان از نظر نهادی، سیاست در بلاروس نهاده‌ی نگریده، رهبران سیاسی جدی وجود ندارند، احزاب

هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم اپوزیسیون بلاروس به این زودی‌ها قدرت را به دست خواهد گرفت. در عوض تفاوت‌های متعددی میان آن‌چه در بلاروس رخ می‌دهد و آن‌چه در اوکراین در سال ۲۰۱۴ و در ارمنستان در سال ۲۰۱۸ رخ داد، وجود دارد. این چهار دلیل قرار ذیل است:

**اول:** رییس جمهور الکساندر لوکاشنکو فردی بسیار زیرک و با اراده قوی است و آماده حفظ قدرتش تا پایان دوره کاری‌اش می‌باشد. در مقایسه با دیگر رهبران اتحاد جماهیر شوروی سابق، او تنها کسی بود که تولیدات بلاروس را حفظ کرد و رونق داد. تمام کشورهای همسایه، استوانی، لیتوانی، لیتوانی، بخش‌های عمده تولیدشان را از دست داده‌اند و در نتیجه، بخش عظیمی از جمعیت آن‌ها به ویژه جوانان به دنبال شغل در اروپای غربی هستند. هم‌چنان لوکاشنکو نه تنها برای حفظ قدرت خودش می‌جنگد، بلکه به خوبی می‌فهمد که اگر مظاهره‌کننده‌گان خیابانی به قدرت برسند، پایان بلاروس را رقم خواهند زد. او تنها کسی بود که با استفاده از میلیاردها دالر روس، توانست کارخانه‌ها، مشاغل و رفاه کلی مردم را حفظ کند و تداوم ببخشد.

**دوم:** این که او موفق شد وفاداری تقریباً تمام تیم سیاسی و مسوولان ارشد امنیتی‌اش را حفظ کند. موفقیت انقلاب‌ها در گرجستان، اوکراین و ارمنستان به دلیل تقسیم‌بندی‌های شدید درون گروه‌های نخبه بود. هنگامی که این تقسیمات آشکار شد، نیروهای امنیتی اعلام کردند که با اقدامات سرکوب‌گرانه از مقامات فعلی دفاع نخواهند کرد. لوکاشنکو